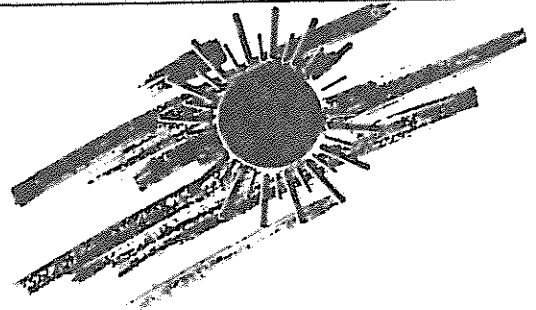


۸۶۰۱۳۷۰
۸۶۰۱۲۵۶

راهنمای زنان



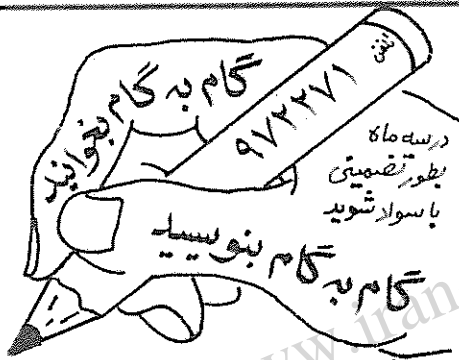
♦ مؤسسه خدماتی مهندسی بهاران ♦
ارزاتر از همه جا - شبانه روزی
تخلیه چاه
لوله بازکنی
رفع گرفتگی و ترکیبگی، نم حمام و توالت
۷۵۶۲۳۳۷
♦ ♦ ♦



مرکز بین المللی هنر زیبائی و گرم ایران

آموزش گرم و گرم سه بعدی و کرم سازی
گیاهی و پیشرفته

ماسک، تونیک، لوسیون، ماتیک، پودرهای آرایشی،
ریمل، صابون، شامپو، رنگ موی گیاهی، گیاهان دارویی،
طب سنتی و زیبائی سنتی، آشنائی با کاربرد گیاهان دارویی
در فرمژه - فرمو - رفع التهابات پوستی بعد از الکترولیز -
آشنائی با خطرات ناشی از کاربرد مواد آرایشی - رنگ
آمیزی و روانشناسی رنگها
تلفن: ۰۰۲۲۳۷۳۰



آموزش زبان فارسی در پنج ترم
۱ - ترم اول برای کسانی که از نعمت خواندن و
نوشتن محرومند در سه ماه بطور تضمینی.
۲ - ترمهای ۲ تا ۵ برای کسانی که کم سواد
محسوب می گردند و احتیاج به گذراندن
دوره های تکمیلی دارند تا پایه دانش فارسی
خود را ارتقاء دهند.
شهرستانیها می توانند بطور مکاتبه ای کتابها و راهنمای
تدریس آنها را دریافت دارند

عجله نکنید
قسطنی قسطنی

فیلمبرداری، میکس، عکس، لباس عروس، سفره عقد
ماشین عروس و طلا
۶۴۷۷۹۵۵-۶۴۷۷۹۴۷

لاغری بدون بازگشت

فقط با ۶ هزار تومان به وزن و
سایز ایده آل خود برسید.
ویژه بانوان ۰۸۱۰۶۳۰

آموزش طراحی و نقاشی و تجسمی
زیر نظر استاد با تجربه (خانم)
با تحصیلات دانشگاهی در ایران و انگلیس
برای خانمها و دخترخانمها و کودکان
قائم مقام فراهانی - ۸۸۴۵۹۶۵



دست نگهدارید!

تلویزیون رنگی، ویدیو، ضبط صوت، یخچال
فریزر، لباسشویی، فرش ماشینی و سایر لوازم
منزل شما را به بهترین قیمت خریداریم -

♦ بدون تعطیلی ♦

۷۵۰۲۶۷۳-۷۵۰۷۵۹۶-۷۴۵۶۴۱۷



امسال، زنان بیشتر جایزه

چهاردهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر در شرایطی برگزار شد که تئاتر کشور یک سال فقیر را پشت سر گذاشته بود و چندان آمیدی به نمایش‌های آن نسی رفت. اما، برخلاف انتظار عمومی، این جشنواره از دو جهت تفاوت بارزی با جشنواره‌های پیشین داشت: یکی حضور مؤثر نویسندگان و کارگردانان زن در این جشنواره بود. حضور زنان بازیگر در تئاتر ایران مقوله‌ای جدید نیست اما به نظر می‌رسد که زنان هنرمند تئاتر برای ابراز خویشتن به تدریج از حیطه بازیگری به حیطه‌های وسیع‌تر روی می‌آورند. این فعالیت رو به فزونی زنان در عرصه تئاتر، به‌خصوص در مقام نویسنده و کارگردان، بیانگر این است که آنان به دنبال وادی‌ها و برای انتقال نگرش و حرفه‌های تازه خویش هستند. برخی از این هنرمندان، که قسمت اعظم آنان را جوانان تشکیل می‌دادند، از حیطه‌های دیگری چون بازیگری، نقدنویسی یا حتی کلاس‌های درس به کارگردانی و نویسندگی روی آورده‌اند. تفاوت دیگر این جشنواره با جشنواره‌های پیشین، برگزاری دومین جشنواره تئاتر خیابانی به موازات بخش مسابقه بود. به هر حال شروع این حرکت‌ها را مبارک می‌شماریم. نگاهی داریم به چهاردهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر:

امسال، حضور فعال هنرمندان حرفه‌ای تئاتر در کنار گروه‌های جوان‌تر مایه دلگرمی علاقه‌مندان تئاتر بود زیرا در یکی - دو سال اخیر کاری از سوی پیش‌گسوتان ارائه نشده بود، هر چند در پایان جشنواره گروه‌های حرفه‌ای از عرصه رقابت حذف شدند و تنها از حضور آنان تقدیر به عمل آمد؛ و چه خوب است اگر در سال‌های آینده، همچون تمام جشنواره‌های معتبر و بین‌المللی دنیا، این مسابقات نیز در دو بخش حرفه‌ای و جوان برگزار شود تا هر کدام در جایگاه ویژه خود مورد ارزیابی هیئت داوران قرار بگیرد.

تئاتر خیابانی در کشور ما مقوله‌ای نوظهور است. اگرچه اخیراً از سوی شهرداری، به‌خصوص فرهنگسرای اشراق، شاهد چندین نمایش خیابانی بودیم اما نمایش خیابانی در چهاردهمین جشنواره تئاتر فجر قابلیت انعطاف بیشتری داشت و موضوع نمایش‌ها، بیش از پیش، به فضای مناسب تئاتر خیابانی نزدیک شده بود. کارگردانان تئاتر خیابانی به دنبال پیدا کردن شیوه‌های جدید برای ارتباط ساده، سریع و تأثیرگذار با مردم کوچک و خیابان تلاش قابل ملاحظه‌ای از خود نشان دادند. نباید از یاد برد که تئاتر خیابانی قابلیت نقد اجتماعی گسترده‌ای دارد و به‌گونه‌ای فراگیر مخاطبان را درگیر می‌کند. از

همین روست که ابزاری مهم برای آموزش، الگودهی و تأثیرگذاری بر مردم به شمار می‌رود و اگر راه خود را در جامعه پیدا کند، نه تنها تئاتر را به میان مردم می‌آورد بلکه آنان را با دیدگاه‌ها و تفکرات نو و سازنده آشنا می‌کند.

اما آنچه جشنواره چهاردهم را در موضعی متفاوت نسبت به جشنواره‌های پیشین قرار می‌دهد، حضور فعال زنان نویسنده و کارگردان بود. سه کار برجسته جشنواره امسال، فردا، سیخ سووان و افسانه، هر سه حاصل کار هنرمندان زن بودند و در بخش نمایش خیابانی نیز نمایش هفت‌خان ساخته و پرداخته یک هنرمند زن بود.

نمایش «فردا» نوشته شبنم طلوعی، با کارگردانی مشترک کورش تهماسی و شبنم طلوعی، به تلاش و استقامت سلحشوران یک زن برای بازیابی هویت گم‌گرفته خویش می‌پرداخت. موضوع نمایش از این قرار است که زنی از اهالی سلمچه، که شویش در مبارزان شهر به شهادت رسیده‌است، در تهران با فالگیری روزگار می‌گذراند. در این میان نوازنده‌ای دوره‌گرد به او دل می‌بندد. شباهت چشمان نوازنده به چشمان همسر از دست رفته زن باعث بازیگری زن در زندگی خویش می‌شود و در نهایت او بر احساس گناه و یأس خویش فائق می‌آید و تصمیم می‌گیرد که به شهر و زندگی خویش بازگردد و مسئولیت ادامه زندگی خود را به عهده بگیرد.

مضمون نمایش «سووان» نوشته و کار چیتا یثربی، یکی از قصص قرآن، به نام «برصیصای عابد» است. در این داستان آزمون عشق و امتحان

الهی مطرح می‌شود. کسی که ادعای عشق الهی را در سر می‌پروراند، باید امتحان شود و در این امتحان مورد محنت و بلا قرار گیرد. اگر از وادی امتحان به سلامت عبور کند، آن‌گاه می‌تواند از عشق خود اطمینان یابد. گاه عشق زمینی سبب‌ساز عشق الهی می‌شود و در واقع وسیله گذر از وادی امتحان نفس قرار می‌گیرد. در نمایش «سیخ سووان» نیز ابلیس در قالب یک روان‌شناس بر صحنه ظاهر می‌شود تا روان‌پزشک مؤمنی را که ادعای عشق الهی دارد، وسوسه کند و برای این وسیله از زنی کمک می‌گیرد که یکی از بیماران روان‌پزشک است. زن وسیله امتحان مرد مؤمن قرار می‌گیرد و عشق زمینی فضا را برای ایجاد عشق راستین به خداوند آماده می‌کند و روان‌پزشک به مفهوم واقعی عشق و ایمان پی می‌برد و زن از پیله دردناک گذشته خویش رهایی می‌یابد.

در نمایش «افسانه» نوشته و کار مینا ابراهیم‌زاده، با جست‌وجوی یک زن برای رسیدن به حقیقت و جهانی آرمانی مواجه هستیم. افسانه، زنی است که نمی‌خواهد به سنت‌های دیرین و پوسیده مادرانش تن در دهد و طلسم دوک نخ‌ریسی را پذیرا شود. او در پی یافتن حقیقت و وادی‌های نو به همراه همسرش، که سواری جست‌وجوگر است، راهی سفری بی‌پایانگشت می‌شود؛ طی آن به درک جدیدی از انسان، جهان و آفرینش می‌رسد و با مفهوم «انتظار» برای رسیدن به جهان آرمانی آشنا می‌شود. در پایان، در کشاکش یافتن حقیقت راستین، خود، به افسانه‌ای بدل می‌شود؛ افسانه‌ای که

برندگان زن در چهاردهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر

- لوح تقدیر و جایزه نقدی به مبلغ پنج میلیون ریال برای رتبه اول به چیتا یثربی، نویسنده نمایشنامه «سیخ سووان»
- لوح تقدیر و جایزه نقدی به مبلغ سه میلیون ریال برای رتبه دوم کارگردانی به چیتا یثربی، کارگردان نمایش «سیخ سووان»
- لوح تقدیر و جایزه نقدی به مبلغ سه میلیون ریال برای رتبه اول به شبنم طلوعی، بازیگر نمایش «فردا»
- لوح تقدیر و جایزه نقدی به مبلغ دو میلیون ریال برای رتبه دوم به فرزانه گودرزی، بازیگر نمایش «کمند»
- لوح تقدیر و جایزه نقدی به مبلغ یک میلیون ریال برای رتبه سوم به مهروش جعفرقلی‌زاده، بازیگر نمایش «سرود بال سرودش»
- لوح تقدیر و جایزه نقدی به مبلغ سه میلیون ریال برای رتبه دوم به شبنم طلوعی، نویسنده نمایش «فردا»

برداشت

چیستا یثربی



نکرده است، به اجرا درآورد.
در نمایش زیبایی آواز، کار علی مقدم، نیز با
مسئله مظلومیت زن و استحاله او در تاروپرد
سنت‌های قومی رویه رو می‌شویم.
*

به هر حال، جشنواره چهاردهم اگر هیچ تحول
جدیدی در تئاتر کشور ایجاد نکند، حداقل تأثیر آن
در بازنشاسی و ارائه استعدادهای جوان زنان
هنرمند در عرصه نویسندگی و کارگردانی است؛ در
حیطه‌ای که پیش از این کمتر به زنان اختصاص
داشته است.

در آخرین روز جشنواره، ناگهان بعضی از
کارها از عرصه مسابقه حذف شدند که این اقدام نه
تنها براننده جشنواره نبود بلکه شبیهات زیادی را نیز
در اذهان پدید آورد و برخی از مخاطبان شکاک را
نست به حقانیت بخش مسابقه دچار تردید کرد.

از سوی دیگر، تنلیس طلایی جشنواره امسال
بایگانی شد و مبلغ پنج میلیون ریال که برای کار
برگزیده و بهترین کارگردانی در نظر گرفته شده بود نیز
به کسی تعلق نگرفت زیرا هیئت داوران هیچ کاری
را شایسته این دو مقام ندانست و باز این ابهام
همچنان باقی ماند که مگر آثار جشنواره با کدام

● مهم‌ترین دستاورد جشنواره چهاردهم حضور چشمگیر زنان

نویسنده و کارگردان در آن بود. کارهای برجسته جشنواره امسال،
فردا، سرخ سوزان و افسانه، هر سه حاصل کار هنرمندان زن بودند.

● جشنواره چهاردهم اگر هیچ تحول جدیدی در تئاتر کشور ایجاد نکند، حداقل تأثیر آن در بازنشاسی و ارائه استعدادهای جوان زنان هنرمند در

عرصه نویسندگی و کارگردانی است؛ دو حیطه‌ای که، پیش از این، کمتر به زنان
اختصاص داشته است.

معیار سنجیده می‌شود. اگر این کارها با هم مقایسه
می‌شوند، پس چگونه است که نمی‌توان رتبه اول را
از میان آنان برگزید. به‌ویژه که در شرایط فعلی و با
کمبود امکاناتی که هنرمندان جوان با آن مواجه‌اند،
این جوایز نقدی چه‌بسا که امکان ارائه کارهای
بهتری را در آینده فراهم می‌آورد.

در پایان باید یادآوری کنیم که در ابتدای
جشنواره، مرکز هنرهای نمایشی به ده گروه منتخب
جشنواره قول مساعدت داده و قرار بود که در طول
سال به آنها کارهایی سفارش داده شود. اکنون که
حدود دو ماه از تاریخ جشنواره می‌گذرد، هنوز نه از
چگونگی این حمایت اطلاعاتی در دست است و نه
حتی گروه‌های منتخب اعلام شده‌اند. امیدواریم که
مرکز هنرهای نمایشی با بی‌توجهی و فراموشی
و عده‌های خود باعث دلسردی گروه‌های تئاتری
نشود و جشنواره چهاردهم نویسنده‌بخش حرکتی
اساسی در جامعه تئاتری کشور باشد؛ حرکتی که اگر
آغاز شود، در نهایت به غبارروبی از صحنه‌های
تئاتر و رشد و غنای فرهنگ کشور منجر می‌شود. ■

قرار گرفتند، هر دو، حاصل کار هنرمندان زن بودند.
علاوه بر این، سایر کارهای جشنواره نیز که
هنرمندان مرد نوشته و یا کارگردانی کرده‌بودند
امسال به‌گونه‌ای متفاوت و جسورانه با مسئله زن
مواجه شده بودند و از آن زنان زودرنج، بی‌منطق و
همیشه در حال گریه و شیگوه جشنواره‌های پیشین در
نمایش‌های امسال خبری نبود.

نمایش ایواندخت، نوشته و کار جهانگیر
صمیمی‌فرد، به دلآزری، ایثار و هوش و ذکاوت
یک زن در نجات شهر خویش می‌پرداخت و یکی از
معدود کارهای نمایشی بود که در چند سال اخیر
چهره‌ای اصیل و راستین از توانایی‌ها و عواطف
یک زن در جهت رهایی جامعه خویش نشان می‌داد.
پیش‌بازی، نوشته محمد رحمانیان و کار حسین
عاطفی، نیز به مقوله هویت زن می‌پرداخت. در این
نمایش زنی بازیگر در جست‌وجوی هویت گم‌کرده
خویش به سرور خاطرات و لحظه‌های مهم
زندگی‌اش می‌پردازد و می‌کوشد تا معنایی برای
زندگی خویش بیابد و نقشی را که هرگز بازی

در هر زمان تکرارپذیر است.
هنرمندان زن در بخش تئاتر خیابانی نیز فعال
بودند. نمایش هفت‌خان، نوشته و کار سوسن
رحیمی، که در محوطه تئاتر شهر، میدان راه‌آهن،
پارک خیام و ترمینال جنوب به‌اجرا درآمد؛ در
زمانی سوجز مشکلات جوانان را برای یافتن
خویش، زندگی و ازدواج در جامعه امروزی مطرح
می‌کرد و در واقع گذر از مشکلات و سوانح جامعه
امروز را برای یک جوان، مترادف با گذر رستم از
هفت‌خان می‌دانست. از آنجا که موضوع نمایش با
فضای نمایش‌های خیابانی مناسبیت داشت، در
ایجاد ارتباط با تماشاگر خود بسیار موفق بود.
نگاهی به آرای هیئت داوران در چهاردهمین
جشنواره تئاتر فجر، حضور چشمگیر زنان را در این
جشنواره نشان می‌دهد. دو کار فردا و سرخ
سوزان، که از بسیاری جهات منتخب هیئت داوران



زن در رسانه‌ها بدون شرح!



... خواهر روشن‌فکر من! اگر شما به فکر دوچرخه‌سواری خواهران هم‌تیب خود هستید، خواهش می‌کنم به فکر لباس زنانه مناسب جهت دوچرخه‌سواری‌شان نیز باشید.

... بهتر است شما که تا اینجا پیش آمده‌اید یکبار به خود جرئت دهید و بفرمایید علی‌اصحدرت دوچرخه‌سوار باید در معابر عمومی از یک کت یا بلوز (البته نه زیاد بلند که مزاحم باشد) و یک شلوار چسبان (که بهتر است شلوار لی باشد) با یک کلاه استفاده کنند.

... فرود تابستان سوزان می‌آید و باید پایین‌تر از زانوی دوچرخه‌سوار پوشش نداشته باشد تا بتواند بهتر رکاب بزند و نیز تابستان را با کلاه چه کار و کلاه را نیز حتماً از سر بکنند و به راحتی رکاب بزنند تا بعضی خواهران خیلی مسئول! ما نیز بتوانند با به پای خانم تانسو چیلر، نخست‌وزیر ترکیه، در یک کشور فاطمی سلام‌الله‌علیها رکاب بزنند!
یاالذات الحسین، شماره ۲۳

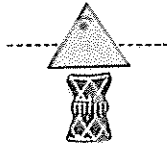


... به نایب‌رئیس محترم کمیته ملی المپیک که مترصد زمینه‌ای مناسب برای ترویج فرهنگ دوچرخه‌سواری بانوان، آن هم در معابر عمومی می‌باشند، توصیه می‌کنیم: برای از بین بردن قبح موضوع، قهرمانان! سدشکنی نموده و شخصاً یکی - دو ماه با دوچرخه در معابر عمومی رفت‌وآمد کنند و پشت‌تاز ترویج این فرهنگ نوین در ام‌القری اسلامی باشند!
هفته‌نامه صبح، ۱۶ دی ۷۶



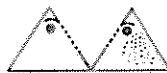
فائزه هاشمی:

... فرهنگ ورزش دوچرخه‌سواری نباید از خانواده‌ها شروع شود و صرفاً پرداختن آقایان به این ورزش کار را به جای نمی‌رساند.
اخبار، ۲۲ آبان ۷۶



شهلا حبیبی:

... خانم‌ها هیچ‌گونه محدودیتی برای استفاده از رنگ‌های متنوع در پوشش خود ندارند. اگر هم در پخشنامه‌های ادارات استفاده از سه رنگ مشکی، سرمه‌ای و قهوه‌ای اجباری است، به دلیل فرمی است که تعیین کرده‌اند.
اخبار، ۲۱ آبان ۷۶

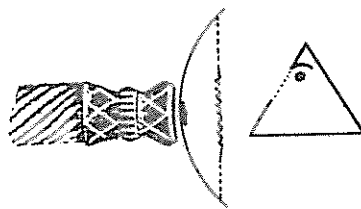


... همچنین مراجع بزرگوار تقلید و فقیهای عظیم‌الشأنی که محدودیت استفاده از رنگ‌های مختلف را در پوشش به جهت جلوگیری از تزج جاهلیت ... که در رساله‌های علمی خود ترویج نموده‌اند را نیز حضورتان معرفی می‌کنم!
هفته‌نامه صبح، ۱۶ دی ۷۶



شهلا حبیبی:

... در برنامه‌های فرهنگی باید به دنبال ارائه بهترین طرح‌ها برای معرفی حجاب برتر یعنی چادر باشیم. چادر باید آنچنان جایگاهی پیدا کند که پوشیدن آن آرزوی هر زن ایرانی باشد.
هفته‌نامه صبح، ۱۶ دی ۷۶



فائزه هاشمی:

باید مسیرهای ویژه دوچرخه‌سواری در تهران ایجاد شود تا دوچرخه‌سواران، اعم از آقایان و خانم‌ها، با خاطری آسوده به این ورزش بپردازند.
اخبار، ۲۲ آبان ۷۶

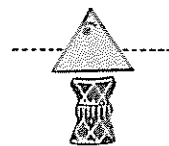
شهلا حبیبی:

... چادر کامل‌ترین حجاب است ولی استفاده از آن اجباری نیست، خصوصاً در مدارس.
اخبار، ۲۱ آبان ۷۶



واحد خواهران انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده مهندسی مشهد:
خانم شهلا حبیبی! ما تاکنون باور نداشتم و نداریم [...] که اگر زینتمان چادری مشکی و لباسی ساده است صرفاً به خاطر علائقی سطحی و سلیقه‌ای بوده و ممکن است وقتی دیگر به رنگی دیگر درآیم!

... آنان که نسبت به پوششی که دارند تا این اندازه سطحی‌نگر هستند حق ندارند آن را از جانب زن مسلمان و معتقدی که حجابش برگرفته از سنت رسول اکرم (ص) و روایات و احادیث اسلام است بیان کنند و مطابق آن کسانی را که درد اسلام دارند، تهدید کنند. چرا که با سکوتشان در برابر بدحجابی و مدگرایی و فساد، بلوغ فکری (!) و آزاداندیشی (!) خود را به قدر کفایت به اثبات رسانده‌اند.
هفته‌نامه صبح، ۳۰ آبان ۷۶



... اگر در مدرسه‌ای استفاده از چادر را به صورت اجباری مطرح کردند، حتماً به دفتر امور زنان گزارش داده شود تا به آن رسیدگی شود.
اخبار، ۲۱ آبان ۷۶

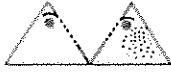


... به دنبال درخواست یکی از مسئولان محترم در امور بانوان سببی بر اشخاصی که الزام به چادر می‌کنند، بدین وسیله متولیان و تولیدکنندگان محترم آستان‌های مقدسه حضرت ناسن‌الحجج «علیه‌الآل و التحیة و الثناء» و کریمه اهل بیت (س) همچنین دیگر امامزادگان و مشاهد شریفه دیگر که تابلوهای متعدد «استفاده از چادر در این مکان الزامی است» را در مکان‌های مذکور نصب نموده‌اند، جهت هر گونه اقدام قانونی خدمتان معرفی می‌شوند!
هفته‌نامه صبح، ۱۶ دی ۷۶

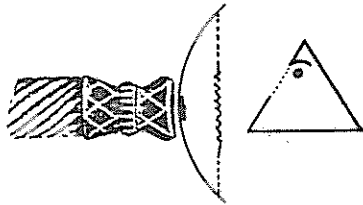


هستند که به صورت آشکار و نهان به خورد جامعه داده می‌شوند.

فولگ آونیش، ۲۶ دی ۷۴



... اگر ما نسوان، زنان و بانوان نخواهیم کسی از حقوقمان دفاع کند به کجا باید مراجعه کنیم؟! به عبارت آخری اگر ما نخواهیم هیچ‌کس از حقوقمان دفاع نکند، چه کسی را باید ببینیم؟!
نیستان، شماره سوم



زها ره‌نورد:

... زنان جامعه ما از تبعیض در قلمرو حقوق، تعلیم و تربیت، خانواده و تحصیلات و از تبعیض در سطح مشارکت در امر تصمیم‌گیری در نهادهای مقننه، اجرایی، قضایی و سایر مدیریت‌ها و همچنین مشکلات اقتصادی رنج می‌برند.

همشهری، ۲۴ بهمن ۷۴



فائزه هاشمی:

در اسلام بجز قضاوت، هیچ محدودیتی برای اشتغال زنان نیست [...] و دلیلی وجود ندارد که زنان در سیمت‌های بالای مدیریتی و سیاست‌گذاری حضور نداشته باشند.

هفته‌نامه صبح، ۱۰ بهمن ۷۴



مرضیه وحیددستجردی:

... امروز دیگر حضور یک زن در کابینه نیز دور از ذهن نیست.

همشهری، ۱۵ بهمن ۷۴



فائزه هاشمی:

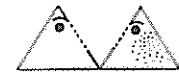
... سؤال من این است که چرا یک زن در نظام جمهوری اسلامی نتواند رئیس‌جمهور شود.

هفته‌نامه صبح، ۱۰ بهمن ۷۴



... [در] جشن بزرگ میلاد کوشر چهار نفر از خواهران به اجرای عملیات راپل بر فراز برج آزادی پرداختند.

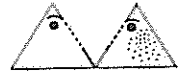
کیهان، ۲۳ آبان ۷۴



(در توضیح عکسی از عملیات راپل)

زن ایرانی، نجابت همراه با شجاعت.

ایران، ۲۴ آبان ۷۴



... توقع بیجایی است اگر از ما انتظار داشته باشید که رابطه مستقیم میان نجابت و بالا رفتن از طناب را برای شما توضیح دهیم [اشاره به عملیات راپل چهار زن بسیجی که در مراسم روز زن - ۲۳ آبان در میدان آزادی اجرا شد].

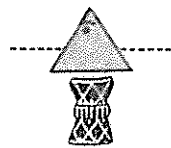
نیستان، شماره سوم



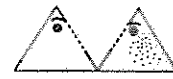
... روز شنبه سیمای جمهوری اسلامی چنین خبر فاجعه‌آمیزی را پخش کرد: تیم ملی اسکی بانوان ایران رتبه ششم مسابقه‌های اسکی را در سوئین دوره از بازی‌های آسیایی زمستانی چین کسب کرد.

... آری، تیم خانم‌های جمهوری اسلامی ... به پکن می‌رود تا در اسکی مارپیچ (که اگر کسی نمی‌داند چیست باید توجه کند که چیزی بین رقص و ... با لباس تنگ و چسبان است که تلویزیون هم آن را نشان داد) مقام بیاورد. فقط جای آن دارد که بگوییم پس غیرت ما کو؟

جمهوری اسلامی، ۱۹ بهمن ۷۴

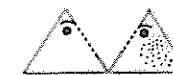


... افزایش حضور بانوان در خیابان‌ها و اماکن تفریحی، آزادی انتخاب رنگ لباس و مد آن، مرادۀ شرعی با غیرمحرمان سرزبان داشتن در محافل عمومی، استقلال رأی در کانون خانواده، جرئت و جسارت فعالیت در محیط‌های مردانه، حق انتخاب شغل با رضایت یا بدون رضایت همسر یا خانواده، ادامه تحصیل تحت هر شرایطی به عنوان اولویت اول زندگی، نمونه‌هایی از این الگوی آزادی فعالیت



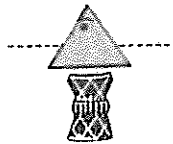
... باعث کمال افتخار و مسرت و شادمانی و غرور و میاهات است که این آخرین مانع تعالی زنان کشور نیز برطرف شده و از این پس هر زنی می‌تواند در هر ساعت از شبانه‌روز در معابر، خیابان‌ها و حتی بزرگراه‌ها از عزت و شوکت (و بقیۀ در و همسایه‌ها) به راحتی دوچرخه‌سواری کند.

نیستان، شماره چهارم



... آیا فوج جوان‌های دختر و پسر غافل و اسیر در چنگال شهوات با آن شمایل شیطان‌پسند در کوچه و خیابان را حتی به عنوان کوچکترین زنگ خطر تلقی نمی‌کنید؟

هفته‌نامه صبح، ۱۲ دی ۷۴



فائزه هاشمی:

... هنوز ورزش دوچرخه‌سواری برای بانوان در معابر عمومی باب نشده است.

اخبار، ۲۶ آبان ۷۴



... به امید آن روزی که هر زن ایرانی یک دوچرخه داشته باشد و خودش رکاب بزند!

... در اهتزاز باد دوچرخه‌های تمام زنان عالم!

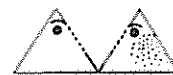
نیستان، شماره چهارم



پروفسور سانگ‌تین، نایب‌رئیس اول فدراسیون بین‌المللی سوارکاری:

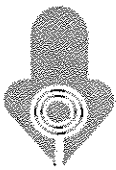
... در اولین دورۀ مسابقات جام ویاست جمهوری ایران سوارکاران ایرانی، به‌خصوص بانوان سوارکار، نشان دادند که از توانایی بالایی برخوردارند و می‌توانند در سطح جهان مطرح باشند.

کیهان، ۱ بهمن ۷۴



بانوان با اسب مسابقه پوش دادند... گویا شهرداری تهران برنامه‌های بیشتری نیز در ارتباط با ارتقای سطح مشارکت زنان در امر توسعه دارد که متعاقباً اعلام خواهد شد.

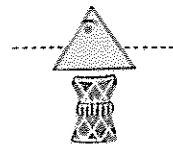
هفته‌نامه صبح، ۱۲ دی ۷۴



مرضیه وحیددستجردی:

... حضور زنان در قوه مقننه و تصمیم گیری های سیاسی، راه را برای به دست گرفتن پست های کلیدی در کشور هموار و زمینه را برای رفع مشکلات بانوان فراهم می کند.

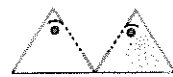
کیهان، ۱۸ دی ۷۶



اعظم طالقانی:

... مطرح کردن الگویی برای زنان، به طور لفظی، کافی نیست و این که فقط در پشت تریبون ها بگویند زن ها مقام والایی دارند، قابل قبول زنان انقلابی ما نیست.

اخبار، ۲۵ دی ۷۶

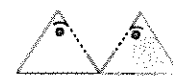


فاطمه هاشمی:

... همان گونه که تا کنون در مجلس به مسائل زنان توجه نشده به تعداد قابل توجه آنان در کشور نیز توجهی صورت نگرفته است.

... عملکرد نمایندگان دوره چهارم مجلس نسبتاً خوب بود ولی در این دوره نیز توجه زیادی به مسائل زنان جامعه نشد.

رسالت، ۲۵ دی ۷۶



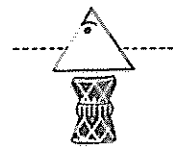
مرضیه وحیددستجردی:

... با آشکار شدن حقانیت این نظرها [نظرات خانم های نماینده] دیدگاه های آقایان نماینده روشن تر شده و الان کمتر طرح و لایحه در مورد زنان است که رأی نیاورد.

قدسیه علوی:

... در مجلس به لحاظ تعداد کم خانم ها بسیاری از طرح ها و پیشنهادهای که برای زنان مطرح می شود گاهی پس از دو یا سه بار مطرح شدن رأی نمی آورد.

همشهری، ۱۵ بهمن ۷۶



فاطمه همایون مقدم:

... با حضور تنها نه نفر زن در مجلس کاری برای زنان انجام نمی شود و لذا این تعداد باید افزایش یابد.

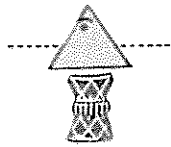
همشهری، ۱۵ بهمن ۷۶

تعداد فعلی شود.

قدسیه علوی:

... من احتمال می دهم از تهران همان پنج نفر به مجلس راه یابند و به علت افزایش تعداد کاندیداها نگرانی من این است که از شهرستان ها خانم ها اصلاً رأی نیاورند.

همشهری، ۱۵ بهمن ۷۶



اعظم طالقانی:

... در برابر حوزه های انتخابیه ای که بیش از سه نماینده به مجلس می فرستند، باید دست کم یک کرسی مجلس ویژه زنان باشد.

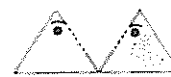
اخبار، ۲۵ دی ۷۶



نقیسه فیاض بخش:

... ما به هیچ وجه معتقد به دیدگاه های زن گرایانه نیستیم که صرفاً باید تعداد زنان در مجلس بیشتر باشد.

کیهان، ۱۸ دی ۷۶



مرضیه وحیددستجردی:

... اگر تعداد [نمایندگان زن] به همین صورت فعلی افزایش طبیعی داشته باشد سهمیه لازم نیست.

نقیسه فیاض بخش:

... قرارداد سهمیه برای زنان نمی تواند راه حل مناسبی برای حضور نمایندگان زن در مجلس باشد.

همشهری، ۱۵ بهمن ۷۶



زهرا مصطفوی:

... معتقد نیستم که حدنصابی برای زنان در مجلس در نظر گرفته شود.

اطلاعات، ۲۱ بهمن ۷۶



مرضیه وحیددستجردی:

... اگر افزایش [تعداد نمایندگان زن] طبیعی نباشد می توان از سهمیه به عنوان روشی برای جبران بی عدالتی ها و حضور بیشتر زنان برای قانونگذاری استفاده کرد.

همشهری، ۱۵ بهمن ۷۶



مرضیه وحیددستجردی:

... این کافی نیست که فقط ۳/۵ درصد از نمایندگان مجلس را زنان تشکیل دهند، در حالی که در یک کشور اسلامی که می خواهد الگویی برای جهان باشد، حضور زنان باید بیشتر و گسترده تر باشد.

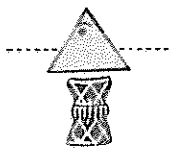
کیهان، ۱۸ دی ۷۶



نقیسه فیاض بخش:

... با توجه به حضور فعال زنان در جامعه به نظر می رسد مجلس پنجم باید حداقل ۵۰ نماینده زن داشته باشد چرا که بسیار ناعادلانه خواهد بود که اگر رقم فعلی ۹ به ۲۷۰ و یا کمتر از این را در مجلس داشته باشیم.

همشهری، ۱۵ بهمن ۷۶



مرضیه وحیددستجردی:

... بعضی افراد و تفکرات موافق حضور تعداد خانم ها در مجلس نیستند و از هم اکنون نیز موضع گیری علیه زنان را شروع کرده اند و از کاندیداتوری تعداد زیاد خانم ها - به خصوص در شهرستان ها - ابراز نارضایتی می کنند.

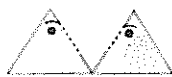
همشهری، ۱۵ بهمن ۷۶



فاطمه هاشمی:

... در تمام دنیا دیدگاه برترنگری مرد نسبت به زن وجود دارد و این دیدگاه فقط با فعالیت مستمر و آگاهانه زنان رفع خواهد شد.

اخبار، ۲۵ دی ۷۶



مرضیه وحیددستجردی:

... دلیل این افراد آن است که معتقدند اگر تعداد خانم ها زیاد باشد غیر قابل کنترل خواهند بود و قوانینی را تصویب می کنند که به نفع زن هاست.

همشهری، ۱۵ بهمن ۷۶



مرضیه وحیددستجردی:

... من نگرانم که مبادا در دوره آینده بر خلاف آنچه که مشاهده می شود تعداد خانم های نماینده کمتر از

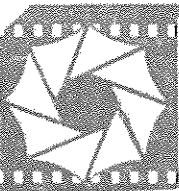




راهنمای زنان

۸۶۰۱۳۷۰

۸۶۰۱۴۵۶



خرید و فروش
دوربین عکاسی

عند کامو

کلیه خدمات

فیلمبرداری، عکسبرداری

مجالس و صنعتی و ورزشی با

سیستم کامپیوتری

پاسداران، اقدسیه، بازار صدف

تلفن: ۲۲۹۱۹۳۷
تقی پور
۲۲۹۱۲۲۲

شرکت پاک مکان

با مسئولیت محدود

با ۲۳ سال سابقه درخشان در امر
خشک‌شوئی مبل - موکت - فرش - واکس
و پوشش سنگ و پارکت و کفپوش، نظافت
محلی ساختمان - خشک‌شوئی داخل اتومبیل
نگهداری و نظافت ساختمانهای بزرگ
دولتی و خصوصی و ترمینالها و بیمارستانها

روزها ۰۷۷۷۷ - ۸۵۸۶۲۶

شبا ۷۸۶۸۳۸۸



مانتوسرای خاتم

میدان هفتم تیر

جنب مسجد الجواد

تلفن: ۸۳۲۵۸۵

مرکز تعمیر سشوار

تحويل در سراسر تهران و ایران

تهران: خیابان سعدی - خیابان منوچهری

چهار راه کنت، ساختمان درفشان

(جنرال استیل سابق) طبقه همکف پلاک ۱۸ - ۱

۳۱۱۷۸۰۱ - ۳۷۸۳۷۶۷



مژده به بانوان محترم غرب تهران

عسل بادی شاب

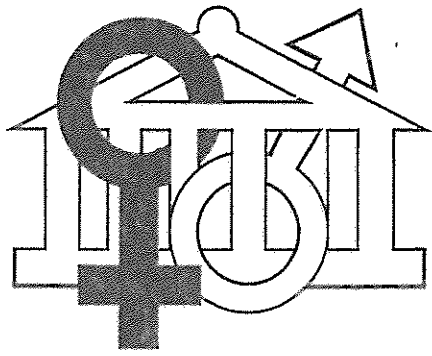
لاغری سریع در کوتاهترین مدت با مجهزترین دستگاههای حرارتی و

ماساژی با تضمین ۱۰ کیلو در ۱۰ جلسه بدون رژیم پاکسازی پوست،

صورت، درمان جوش، رفع کک و چینهای صورت و موهای زائد - ضمناً

۶۰۷۷۳۷۲

هنرجو نیز پذیرفته می‌شود.



ترجمه و تلخیص رُزا افتخاری

زنان در پارلمان‌های جهان (۱۹۴۵ تا ۱۹۹۵)

● در بسیاری از کشورها زنان خیلی دیرتر از مردان، که قادر مطلق بودند و غالباً در صحنه حضور داشتند، حق رأی و حق نمایندگی کسب کردند.

۱۷۸۸ کلمه «همه» افراد همه نژادها را هم دربرداشته‌است. به هر حال، مدت‌ها بعد، یعنی در ۲۶ آگوست ۱۹۲۰ بود که حق رأی و نمایندگی زنان برای انتخابات کنگره صریحاً در قانون اساسی منظور شد.

کشورهای اسکاندیناوی، در این فاصله، از پیش‌دآوری‌های جنسی دست کشیده و به گونه‌ای بی‌سابقه بلوغ سیاسی زنان را به رسمیت شناخته بودند.

در فنلاند، در ۲۰ جولای ۱۹۰۶، تمام زنان، بدون هیچ قیدوشرطی، از حق رأی و نمایندگی پارلمان برخوردار شدند. بین سال‌های ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵، زنان نروژ، دانمارک و ایسلند نیز راه آنان را دنبال کردند. به نظر می‌رسید که در سراسر اروپا جنبشی بنیادی برای کسب حقوق انتخاباتی زنان براه افتاده است.

علی‌رغم مبارزه بی‌اجر و مزه‌طلبان حق رأی زنان، حقوق انتخاباتی آنان غالباً ناقص، مشروط و محدود داده می‌شد اما قدم اول بالاخره برداشته شده بود و دیر یا زود به شناسایی کامل قابلیت زنان، از هر طبقه و نژادی، می‌انجامید.

در مجموع، حدود ۸۰ سال طول کشید تا حقوق انتخاباتی زنان در قوانین اروپایی‌ها منظور شد. از آن پس، زنان باید با پیش‌دآوری‌های فرهنگی و رویه‌های سیاسی‌ای مبارزه می‌کردند که ریشه عمیقی در ذهن مردم داشت و گاه با سرسختی سد راه ورود زنان به عرصه سیاسی می‌شد.

در قاره آمریکا نیز روند کسب حقوق انتخاباتی زنان کمیاب‌تر مشابه اروپا بود، گویا این که در دوره‌های سخت فراز و فرودهایی داشت و زودتر هم به سرانجام رسید. مثلاً در کانادا اعطای حق

مجلس را دارند.

۲ قرن بیستم و حضور زنان در انتخابات در آستانه قرن بیستم، تقریباً تمام کشورهای جهان حق رأی و نمایندگی بی‌قید و شرط زنان را به رسمیت شناختند.

تحقیقات نشان می‌دهد که، جز در موارد قلیل استثناء، تاریخ شرکت زنان در انتخابات همزمان با قرن بیستم بوده‌است و از سوی دیگر مردم بومی کشورهای مستعمره نیز غالباً همزمان با استعمارزدایی به حقوق انتخاباتی خود دست یافته‌اند و آنجا هم که این حقوق پیش‌تر اعطا شده، به سبب برخی ملاحظات زودگذر قدرت‌های استعماری بوده‌است.

حق رأی زنان و نمایندگی آنان در مجلس برای اولین بار در دو کشور نیوزیلند (۱۸۹۳) و استرالیا (۱۹۰۲) به رسمیت شناخته شد اما در آنجا نیز این حقوق به گروه خاصی از زنان تعلق گرفت: زنان اروپایی‌تبار. در سوی دیگر جهان، در سوئد، جنبش خواستار حق رأی محلی زنان که از سال ۱۸۶۲ شروع شده‌بود، در سال ۱۹۱۸ به ثمر رسید و زنان توانستند در رأی‌گیری، در سطح محلی و ملی، شرکت کنند و بالاخره در سال ۱۹۲۱ این موارد در قانون اساسی ملحوظ شد. اما قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، از مدت‌ها قبل، از سال ۱۷۸۸، حق شرکت زنان در انتخابات کنگره را به رسمیت شناخته بود؛ گو این که این شناسایی، در واقع، بیشتر ضمنی بود. بعداً در قانون اساسی قید شد که «همه افراد» - حق دارند در انتخابات شرکت کنند. البته شاید بتوان از عبارت «همه افراد» استنباط کرد که قانونگذاران هم زنان و هم مردان را در نظر داشته‌اند اما چه کسی می‌تواند ادعا کند که در ایالات متحده

نگاهی به حضور زنان در انتخابات

بیان آزادانه نظر سیاسی فرد از طریق برگه رأی‌گیری یا تشکیل ستاد انتخاباتی، در آستانه قرن بیست و یکم، از نمادین‌ترین جلوه‌های آزادی دموکراتیک به‌شمار می‌رود. در اعلامیه جهانی حقوق بشر، از سال ۱۹۴۸، حق رأی و نمایندگی از حقوق بنیادین هر فردی - از هر جنس، نژاد یا طبقه - تلقی شده است. اگرچه واقعیت امر همیشه هم چنین نبوده‌است.

۱) مبارزه طولانی ناتمام

از نظر تاریخی، کسب حق رأی بی‌شک با دید نخبه‌گرایانه به جامعه پیوند تنگاتنگ دارد. شاهد قطعی این مدعا این است که برای اکثریت قریب به اتفاق ساکنان کره زمین - زن یا مرد - دستیابی به حق رأی حاصل مبارزه‌های ناگوار برای غلبه بر پیش‌دآوری‌های نژادی یا اجتماعی، و در بسیاری موارد، غلبه بر ستم استعماری بوده‌است. زنان علاوه بر آن که در همسان وضعیت دشوار مردان به‌سر می‌بردند، باید بر موانع دیگری چون پیش‌دآوری‌های جنسی مردان نیز فائق می‌آمدند. بنابراین، در بسیاری از کشورها، زنان خیلی دیرتر از مردان، که قادر مطلق بودند و غالباً در صحنه حضور داشتند، حق رأی و حق نمایندگی کسب کردند.

ابتدا، در موارد متعددی، حق رأی فقط به زنانی تعلق می‌گرفت که درآمد خاص یا تحصیلات عالی داشتند، از موقعیت اجتماعی یا خانوادگی ویژه‌ای بهره می‌بردند و یا از نژاد سفید بودند.

در برخی کشورها زنان هنوز هم حق شرکت در انتخابات را ندارند؛ چه به عنوان رأی‌دهنده و چه به عنوان نامزد انتخاباتی. طبق قانون اساسی کویت و امارات متحده عربی، تمام شهروندان از حقوق برابر برخوردارند اما فقط مردان حق نمایندگی

جمهوری اسلامی ایران:

تاریخ کسب حق رأی: ۱۳۴۲
تاریخ کسب حق نمایندگی: ۱۳۴۲

مجلس شورای اسلامی (تک‌مجلسی)

انتخابات	تعداد کرسی‌ها	مرد	زن	درصد زنان
۱۳۵۹	۲۷۰	۲۶۶	۴	۱/۵
۱۳۶۳	۲۷۰	۲۶۶	۴	۱/۵
۱۳۶۷	۲۷۰	۲۶۶	۴	۱/۵
۱۳۷۱	۲۶۱	۲۵۲	۹	۳/۵

اولین زنان نماینده پارلمان

تاریخ	تعداد	انتخابی	انتصابی
۱۳۴۲	۸	۶	۲

ریاست پارلمان: هیچ زنی تاکنون به ریاست مجلس نرسیده است.

ایران (قبل از انقلاب)

(۱) مجلس (تک‌مجلسی)

انتخابات	تعداد کرسی‌ها	مرد	زن	درصد زنان
۱۳۲۲	۱۳۶	۱۳۶	۰	۰
۱۳۲۶	۱۳۶	۱۳۶	۰	۰

(۲) پارلمان (دو مجلسی) سنا

انتخابات و انتصابات ^۱	تعداد کرسی‌ها	مرد	زن	درصد زنان
۱۳۲۸	۶۰	---	---	---
۱۳۳۲	۶۰	۶۰	۰	۰
۱۳۳۹	۶۰	---	---	---
۱۳۴۲	۶۰	۵۸	۲	۳/۳
۱۳۴۶	۶۰	۵۸	۲	۳/۳
۱۳۵۰	۶۰	۵۷	۳	۵
۱۳۵۴	۶۰	۵۸	۲	۳/۳

مجلس

انتخابات	تعداد کرسی‌ها	مرد	زن	درصد زنان
۱۳۴۸	۱۳۶	---	---	---
۱۳۴۸	۱۱۵	۱۱۵	۰	۰
۱۳۴۳	۱۳۵	۱۳۵	۰	۰
۱۳۴۹	۱۳۶	---	---	---
۱۳۴۰	۱۹۶	۱۹۶	۰	۰
۱۳۴۲	۱۹۸	۱۹۲	۶	۳/۱۰
۱۳۴۶	۲۱۹	۲۱۲	۷	۳/۲
۱۳۵۰	۲۶۸	۲۵۰	۱۸	۶/۷
۱۳۵۴	۲۶۸	۲۴۸	۲۰	۷/۵

(۱) ۳۰ عضو انتصابی و ۳۰ عضو انتخابی

(۲) انتخابات سال ۱۳۲۸، یک‌ماه بعد به دلیل ناآرامی‌های کشور لغو شد.

(۳) پارلمان به دلیل وقوع کودتا در مرداد ۱۳۳۲ منحل شد.

(۴) انتخابات لغو شد.

(۵) پارلمان در ۱۳۴۰ به دستور شاه منحل شد.

(۶) مجلس قانونگذاری با ۲۷۹ نماینده در سال ۱۳۴۶ انتخاب شد.

(۷) با فرا رسیدن انقلاب اسلامی، مجلس شاهنشاهی در بهمن ۱۳۵۷ منحل شد.

● از ۱۸۶ کشور مورد مطالعه

تنها ۳۳ کشور یک زن را به مقام

ریاست پارلمان یا یکی از

مجالس آن برگزیده‌اند.

رأی به زنان از سال ۱۹۱۷ شروع شد. ابتدا، فقط زنانی که وابسته به ارتش کانادا بودند یا نسبت نزدیکی با یکی از اعضای عالی‌رتبه آن داشتند، حق شرکت در انتخابات را کسب کردند. اما در سال ۱۹۲۰، زنان تمام طبقات حق رأی به دست آوردند و ولی نه از هر تژادی. سرخوستان بومی برای شرکت در انتخابات ملی مجبور شدند تا سال ۱۹۵۰ در انتظار بمانند. به هر حال، تا دهه ۶۰ (حدود ۳۰ سال بعد و نزدیک به ربع قرن قبل از اروپا) در تمام کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب حق رأی و نمایندگی زنان، از هر ژاد و طبقه‌ای، به رسمیت شناخته شده بود. در قاره آمریکا نیز، همچون اروپا، گذر از این مرحله چندان ساده نبود و وقایع کشورها نشان می‌دهد که زنان قبل از کسب تمام حقوق انتخاباتی خود مراحل مختلفی را از سر گذرانند و همچون اروپا، هنوز زامی طولانی باقی بود تا زنان بتوانند چنین حقوقی دارند و بپذیرند که چگونه می‌توانند از آن استفاده کنند و به پیش‌داوری‌های فرهنگی و رویه‌های سیاسی دنیا خاتمه دهند.

در مناطق دیگر جهان روند دستیابی زنان به حقوق انتخاباتی عموماً دیرتر از قاره اروپا و آمریکا آغاز شد اما زودتر به ثمر رسید. در قاره آفریقا روند کسب حقوق انتخاباتی زنان معمولاً با استعمارزمانی هم‌راهِ بود. تاریخ مبارزه زنان برای کسب حقوق انتخاباتی در قاره آفریقا با سنگال و توگو (۱۹۲۵)، بعد از آن در لیبی و کامرون (۱۹۲۶)، در نیجر و سیشل (۱۹۴۸) آغاز شد. بین سال‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۸۹ (سال‌هایی که نامیبیا به استقلال رسید)، حدود چهل دولت کنونی قاره آفریقا همین خواسته را دنبال کردند. آفریقای جنوبی، همچون کشوری مجزا، همچنان مقاومت می‌کرد تا این که این کشور هم در سه مرحله شش‌مرگت اجتماعی و نژادی حقوق انتخاباتی زنان را به رسمیت شناخت: ۲۱ می ۱۹۳۰ زنان سفیدپوست، ۳۰ مارس ۱۹۸۴ زنان دورگه و سرخپوست، و ۱۴ ژانویه ۱۹۹۲ زنان (و همچنین مردان) سیاه‌پوست. روند استعمارزمانی و قانونی شدن حقوق انتخاباتی زنان در کل قاره، مجسوعاً، نزدیک به نیم قرن طول کشید. با وجود این، میان قانون تا تحقق آن، میان قانون تا هشاری انتخاباتی هنوز فاصله‌ای طولانی بود. روشن است که امروزه در آفریقا، و در واقع در اغلب مناطق جهان، زمان شهری، به ویژه تحصیلکرده‌ها، عموماً پیش از زنان روستایی به حقوق خود آگاهند. گذشته از این، بیشتر از زنان رحمت از قید پیش‌داوری‌های فرهنگی و قاموهای

قبیله‌ای دست‌وپاگیر رها شده‌اند و در نتیجه آزادانه‌تر در فعالیت‌های انتخاباتی شرکت می‌جویند.

در قاره آسیا، مغولستان با به رسمیت شناختن حقوق انتخاباتی زنان در اول نوامبر ۱۹۲۴ پیشگام شد. اما قبل از دهه ۳۰ در سریلانکا (۱۹۳۱) تایلد و مالدیو (۱۹۳۲)، برمه (اکنون میانمار - ۱۹۳۵) و فیلیپین (۱۹۳۷) هیچ تغییری رخ نداد. پس از جنگ جهانی دوم بود که زنان در اغلب کشورهای آسیایی حق رأی و نمایندگی کسب کردند. در سرزمین پهناور چین زنان در اول اکتبر ۱۹۴۹ این حقوق را به دست آوردند و چندماهی بعد نوبت هند بود. بنگلادش، آخرین دولت مستقل منطقه، در ۴ نوامبر ۱۹۷۲، یعنی قریب ۵۰ سال دیرتر و ۱۲ سال قبل از اروپا، پایان‌بخش این روند بود.

در قاره اقیانوسیه، سوای دو کشور پیشگام نیوزیلند و استرالیا، دولت‌های مختلف منطقه، از دهه شصت، هم به استقلال رسیدند و هم حق رأی و نمایندگی زنان را به رسمیت شناختند.

در همان دوران این روند در کشورهای عربی هم آغاز شد. در سال ۱۹۴۶، زنان در جیبوتی حق رأی یافتند؛ در ۱۹۵۳ در سوویه هم حق رأی و هم حق نمایندگی کسب کردند؛ سپس، در سال ۱۹۵۶، این حقوق در قانون اساسی مصر لحاظ شد و دولت‌های تونس (۱۹۵۹)، موریتانی (۱۹۶۱)، الجزایر (۱۹۶۲)، مراکش (۱۹۶۳)، لیبی (۱۹۶۴)، یمن جنوبی (۱۹۶۷) و یمن شمالی (۱۹۷۰)، اردن (۱۹۷۴) و عراق (۱۹۸۰) نیز این روند را ادامه دادند. بعداً، در سال ۱۹۸۶، زنان جیبوتی حق نمایندگی کسب کردند. از سوی دیگر، کویت و امارات متحده عربی همچنان از پذیرش قابلیت زنان برای شرکت در امور عمومی، خواه مستقیم خواه از طریق رأی دادن، سرباز می‌زنند.

۳ عوامل بنیادی

تفکیک «زنان» کسب حقوق انتخاباتی زنان از وقایع تاریخی و سیاسی‌ای که زندگی ملل را تحت تأثیر قرار داده و موجب پیشرفت آنان شده، بسیار دشوار است.

اگر برای ارزیابی نحوه اعطای حقوق انتخاباتی به زنان عواملی در نظر گرفته‌شوند که در تاریخ و عدد نمی‌گنجد اما بسیار سرنوشت‌سازند، نتایج کامل‌تر و دقیق‌تری حاصل می‌شود؛ عواملی چون آداب و رسوم فرهنگ‌های مختلف و عادات و سنی مرتبط با این فرهنگ‌ها در زمینه سلسله مراتب جنسی و تقسیم کار بین زن و مرد. روشن است که جوامعی نظیر جزایر اقیانوسیه جنوبی سنت‌هایی کاملاً متفاوت با کشورهای خاورمیانه دارند، همان‌طور که اینان نیز با کشورهای اسکاندیناوی قابل مقایسه نیستند و کشورهای اسکاندیناوی نیز به نوبه خود هیچ وجه اشتراکی با چین یا آمریکای لاتین ندارند. بی‌شک هنگامی که قرار شود قانونی به‌منفع حق رأی و نمایندگی زنان وضع شود یا نظرخواهی‌ای صورت گیرد، این عوامل نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابند.

حضور زنان در پارلمان

زنان برای کسب حق رأی با مخالفت‌های فراوانی روبرو شده‌اند اما این مخالفت‌ها در مقایسه با زمانی که زنان سعی کردند به پارلمان راه یابند و به مسئولیت‌های خود جامه عمل بپوشانند، رنگ می‌بازد.

کم نبوده‌اند کشورهای کمی که از بدو تأسیس پارلمان تا زمان ورود اولین نماینده زن به آن سال‌ها، دهه‌ها و حتی قرن‌ها طول کشیده‌است. در کشورهایی که پیشینه پارلمانی درازمدتی دارند، این فاصله زمانی بسیار چشمگیر است. این مورد بیشتر در کشورهای اروپایی و آمریکایی به چشم می‌خورد. آمارهای مربوط به انتخابات پارلمان‌ها نشان می‌دهد که ۴۸۶ سال طول کشید تا یک زن به عضویت مجلس سوند، که در سال ۱۴۳۵ تأسیس شده بود، درآید. در مجلس قانونگذاری لهستان، که از ۱۵۹۳ تأسیس شده بود، تا ۳۲۶ سال بعد صدای هیچ زنی شنیده نشد. ایسلند از قرون وسطی یک مجمع نمایندگی داشت و از ۱۸۴۵ مجلسی به مفهوم مدرن آن، اما در سال ۱۹۲۲ بود که مردم یک زن را به نمایندگی مجلس برگزیدند.

مجلس فرانسه در سال ۱۷۸۹ در میان فریادهای انقلابی «آزادی، برابری، برادری» تأسیس شد اما ۱۵۶ سال بعد یک زن نماینده توانست به آن راه یابد. در نیکاراگوئه ۱۴۶ سال زمان لازم بود. در بولیوی و شیلی ۱۴۰ سال میان تأسیس پارلمان و نمایندگی زنان فاصله افتاد. در ایالات متحده آمریکا، کاستاریکا، هندوراس، اکوادور، کلمبیا، مکزیک، سوئیس و اسپانیا این مدت بین ۱۲۰ تا ۱۳۰ سال بود.

حال که زنان حق رأی و نمایندگی کسب کرده‌بودند، باید حضورشان در این پارلمان‌ها مستحکم و گسترده می‌شد اما این مسیر همیشه هم هموار نبوده‌است.

از سوی دیگر، در اغلب کشورهایی که پیشینه پارلمانی کوتاهمدتی دارند، حضور زنان در پارلمان هم‌زمان یا نزدیک به زمان تأیید حق نمایندگی آنان در پارلمان و همچنین زمان تأسیس پارلمان در آن کشور بوده‌است.

مثلاً در افغانستان، در جولای ۱۹۶۵، که حقوق انتخاباتی به زنان اعطا شد، چهار زن وارد مجلس شدند. در موناکو نیز سه ماه پس از اعطای حق رأی به زنان (۱۹۶۳)، در اولین انتخابات یک زن وارد مجلس شد. در سنگاپور هم در سال ۱۹۶۳، در همان آغاز، یک زن به نمایندگی مجلس برگزیده شد. گذر زمان نشان داد که در تمام این کشورها زنان برای پیروزی در انتخابات، متأسفانه، با مشکلات فراوانی دست به گریبانند.

همان‌طور که قبلاً گفته شد، در اغلب کشورهای مستعمره، فوراً پس از کسب استقلال یا درست در حین مبارزات استقلال‌طلبانه، کلیه شهروندان و از جمله زنان به حقوق کامل انتخاباتی

دست یافتند. به علاوه، کسب استقلال غالباً با تأسیس پارلمان برای نمایندگی مردم تازه استقلال‌یافته همراه می‌شد. گواهی‌ها بسیاری از این مجلس‌ها مدتی بعد با مشکلاتی مواجه می‌شدند - به‌ویژه اگر کودتای نظامی رخ می‌داد - اما قابل توجه است که تقریباً همیشه زنانی در آنها نمایندگی داشتند. گاهی در انتخابات قانونگذاری بعدی حضور نمایندگان زن کاهش می‌یافت یا تصویب نمی‌شد که این نشان می‌داد تثبیت موقعیت به‌دست آمده و یا حفظ آن برای زنان بسیار دشوار بوده‌است. در گینه جدید پاپوآ، زنان حتی تمام کرسی‌های خود را از دست دادند و مجلس امروز تماماً در دست مردان است.

با این حال، در اکثر موارد، نسبت زنان نماینده در پارلمان‌ها یا ثابت مانده یا افزایش یافته است.

زنان در مقام ریاست پارلمان

تعداد بسیار قلیلی از زنان توانسته‌اند به مقام ریاست پارلمان یا یکی از مجالس آن دست یابند. از ۱۸۶ کشور مورد مطالعه تنها ۳۳ کشور یک زن را به مقام ریاست پارلمان یا یکی از مجالس آن برگزیده‌اند. اتریش در این زمینه پیشگام است و هشت سال پس از اعطای حقوق انتخاباتی به زنان (۱۹۲۷)، زنی به ریاست مجلس (Bundesrat) برگزیده شد. خانم ا. رودل زینک (zeynek - O.Rudel)، دوباره در سال ۱۹۳۲ به ریاست همان مجلس انتخاب شد.

در ۳۲ کشور دیگر، پس از جنگ جهانی دوم بود که یک زن به مقام رئیس پارلمان یا یکی از مجالس آن برگزیده شد. در دانمارک، در سال ۱۹۵۰، ریاست مجلس (Landsting) به عهده یک زن گذاشته شد. در اتریش، در سال ۱۹۵۳، دوباره یک زن به ریاست مجلس برگزیده شد اما تنها برای چند ماه. در کشورهای دیگر تا دهه ۶۰ طول کشید تا یک زن مستقیماً بر روند کار مجلس نظارت کند.

انتخاب یک زن به سمت رئیس مجلس ممکن است بر حسب ضرورت یا موقعیت بوده و دیگر تکرار نشده باشد. این امر در مورد آرژانتین، بولیوی و دانمارک صدق می‌کند. در اتریش، کاتاندا، دومینیک، فنلاند، آلمان، گواتمالا، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، سوئد، سوئیس و یوگسلاوی سابق زنان توانسته‌اند دوباره به سمت ریاست پارلمان یا یکی از مجالس آن انتخاب شوند. در مورد کشورهایمانند اتریش، آلمان، ایسلند یا حتی سوئیس اغراق نیست اگر بگوییم که در این زمینه سنت خاصی دارند.

در این دهه، انتخاب یک زن برای اداره امور پارلمان رایج‌تر شده است و دیگر پدیده‌ای منحصر به فرد یا نادر محسوب نمی‌شود. در این دهه، تا ۳۰ ژوئن ۱۹۹۵، ریاست پارلمان با یکی از مجالس آن در کشورهای زیر به عهده یک زن بوده است: آنتیگوا و باربودا، کرواسی، دومینیک، السالوادور، فنلاند، آلمان، گرنادا، ایتالیا، ژاپن،

مکزیک، نروژ، پاناما، آفریقای جنوبی، سوئد، ترینیداد و توباگو، انگلیس. در یازده کشور از کشورهای یاد شده، قرار گرفتن یک زن در چنین سیمتی برای اولین بار اتفاق افتاده که نشانگر تغییری چشمگیر در سنت پارلمانی آنان است: آنتیگوآ و باربودا، کرواسی، السالوادور، گرنادا، ژاپن، مکزیک، نروژ، پاناما، آفریقای جنوبی، ترینیداد و توباگو، انگلیس.

موقعیت سال ۱۹۹۵

۱) نگاهی به جهان

در پنج کشور اروپایی، نسبت نمایندگان زن در پارلمان از ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافته است: سوئد، نروژ، دانمارک، فنلاند و هلند. هیچ یک از این پارلمانها هنوز به تساوی نسبت نمایندگان، که مورد حمایت «شورای اروپا» است و اینان اعضایش هستند، نرسیده اند. سوئد با ۴۵/۴ درصد نماینده زن در سپتامبر ۱۹۹۴ دارد به این تساوی دست می یابد. ۴۵/۸ درصد اعضای مجلس سیشل در انتخابات جولای ۱۹۹۱ زن بودند (این نسبت در انتخابات مجلس قانونگذاری بعدی به ۲۷/۳ درصد کاهش یافت).

برخلاف این وضعیت، مجلس های ۱۲ کشور مطلقاً در دست مردان است: بوتان، کومور، جیبوتی، میکرونزی، کری باتی، کویت، موریتانی، پالاو، گینه جدید پاپوا، سن لوسیا، سن کیتز و نویس، امارات متحده عربی. علی رغم این که عدم حضور مطلق زنان در پارلمان همه این کشورها امر مشترکی است اما واقعیت های عینی این کشورها با هم متفاوت است. در کویت و امارات متحده عربی زنان هنوز حق رأی و نمایندگی ندارند اما این حقوق حدود یک یا دو دهه پیش برای زنان دیگر کشورهای مذکور به رسمیت شناخته شده است. برخی از این ۱۲ کشور در حال حاضر هیچ زن نماینده ای ندارند اما حداقل در مقطعی از تاریخ انتخابات پارلمانی یک نماینده زن داشته اند: یونان، کری باتی، موریتانی و گینه جدید پاپوا.

در تمام کشورهای دیگر نسبت زنان نماینده مجلس، در پایان ژوئن ۱۹۹۵، بین حداقل کمی بیش از صفر تا حداکثر ۲۶ درصد است. بدین ترتیب در پنج کشور - سه کشور در آفریقا و دو کشور در اروپا - نسبت نمایندگان زن از ۲۷/۳ تا ۲۵ درصد است: سیشل، آلمان، ایسلند، موزامبیک و آفریقای جنوبی.

در ده کشوری که رژیم های سیاسی و انتخاباتی بسیار متنوعی دارند، این نسبت بین ۲۰ تا ۲۵ درصد است: اتریش، کوبا، آرژانتین، نیوزیلند، چین، اریتره، کره شمالی، گرنادا، گینه و لوکزامبورگ.

در ۱۲ کشوری که البته از نظر تجارب سیاسی و فرهنگی بسیار با هم تفاوت دارند، نسبت نمایندگان زن از ۱۵ تا ۲۰ درصد است: ترینیداد و توباگو، ویتنام، نامیبیا، ترکمنستان، سوئیس، کانادا،

اوگاندا، چاد، نیکاراگوئه، اسپانیا، ایتالیا و لتونی. بنابراین، زنان در ۳۱ کشور، ۱۰ تا ۱۵ درصد؛ در ۵۰ کشور، ۵ تا ۱۰ درصد؛ و در ۴۶ کشور، بین صفر تا ۵ درصد اعضای مجلس را به خود اختصاص داده اند.

در فهرست رتبه کشورهای در جهان، رتبه برخی کشورهایی که پیشینه دموکراتیک دیرینه ای دارند و الگویی برای کشورهای دیگر جهان محسوب می شوند، یقیناً باعث شگفتی می شود: ایالات متحده آمریکا رتبه چهل و سوم (با ۱۰/۹ درصد)، انگلیس رتبه چهل و نهم (با ۹/۵ درصد) و فرانسه رتبه شصت و چهارم (با ۶/۴ درصد).

نگاهی به فهرست جهانی نشان می دهد که تعداد اعضای زن در مجلس کشوری چون زیمبابوه که سنت پارلمانی چندانی ندارد، دو برابر نمایندگان زن در مجلس ملی فرانسه است (به ترتیب ۱۴/۷ و ۶/۴ درصد). همین وضعیت در مقایسه میان نمایندگان مجلس کنگره آرژانتین و کنگره آمریکا (به ترتیب ۲۱/۸ و ۱۰/۹ درصد) کنگره ملی خلق چین و مجلس نمایندگان استرالیا (به ترتیب ۲۱ و ۹/۵ درصد)، مجلس گینه و مجلس عوام انگلیس (به ترتیب ۲۰ و ۹/۵ درصد) یا مجلس ملی آفریقای جنوبی و مجلس نمایندگان ایرلند (به ترتیب ۲۵ و ۱۲/۷ درصد) وجود دارد. در مجلس چاد نسبت زنان بیش از مجلس اسپانیاست (به ترتیب ۱۶/۴ و ۱۶ درصد) و در ایران نیز بیش از مصر است (به ترتیب ۳/۵ و ۲/۲ درصد). همان طور که ملاحظه می کنید، ممکن است وضعیت کشورهای یک قاره، که فرهنگ های مشابهی هم دارند، بسیار متفاوت باشد؛ حتی زمانی که رژیم های سیاسی و شرایط انتخاباتی مشابهی دارند.

۲) بررسی منطقه ای

«جدول یک» یک بررسی منطقه ای و درون منطقه ای است که تحقیق و تعمق درباره سهم نمایندگان زن در پارلمان های جهان را میسازد.

جدول یک: سهم نمایندگان زن در پارلمان های جهان بر حسب مناطق

کشورهای عربی	اقیانوسیه	آفریقا	آمریکا	اروپا	آسیا	تعداد کشورهای دارای پارلمان
۱۶	۱۴	۴۰	۳۵	۵۰	۲۱	تعداد کل اعضای پارلمان
۲۴۷۹	۷۳۰	۵۷۵۱	۴۷۳۴	۱۰۹۲۸	۸۴۴۴	تعداد و درصد نمایندگان زن
۱۱۸	۴۵	۵۶۱	۵۸۹	۱۴۱۶	۱۱۱۶	حداکثر سهم زنان در هر منطقه
٪۲/۳	٪۴/۳	٪۹/۸	٪۱۲/۷	٪۱۳/۲	٪۱۳/۲	حداقل سهم زنان در هر منطقه
٪۱۰/۸	٪۲۱/۲	٪۲۷/۳	٪۲۲/۸	۴۰/۴	٪۲۱	
عراق	نیوزیلند	سیشل	کوبا	سوئد	چین	
٪۰	٪۰	٪۱/۲	٪۰	٪۱/۵	٪۰	
کومور	میکرونزی	توگو	سن لوسیا	مالت	یونان	
جیبوتی	پالاو		سن کیتز و نویس			
کویت	گینه جدید پاپوا					
موریتانی	کری باتی					
امارات متحده						
عربی						

● در طول ۵۰ سال اخیر، نسبت

نمایندگان زن در مجالس

چهار برابر شده و از ۳ به ۱۱ درصد

در مجلس و از ۲ به ۹ درصد

در سنا رسیده است.

● بی شک هنگامی

که قرار شود قانونی به نفع

حقوقی و حق نمایندگی زنان وضع

شود یا نظر خواهی ای صورت

گیرد، عوامل فرهنگی

نقش تعیین کننده ای می یابند.

۳) واقعیت چند بُعدی

نگاهی به «جدول یک» نشان می دهد که ارقام به خودی خود فقط نشانه است و بدون در نظر گرفتن عوامل دیگر، که همه شان هم قابل شمارش نیستند، تفسیر ما از واقعیت شتابزده خواهد بود. نظام سیاسی، وجود یا عدم وجود احزاب سیاسی، وجود یا نبود پلورالیسم سیاسی، نوع نظام انتخاباتی حاکم، نحوه فعالیت های انتخاباتی احزاب سیاسی با توجه به قطب های مخالف صاحب قدرت، وجود یا نبود نظام سهمیه ای یا کرسی های ذخیره، فرهنگ سیاسی کشور مورد نظر (مثلاً تسهیل انتخاب زنان از میان خانواده هایی که نقشی دیرینه در سیاست دارند)، نگرش فرهنگی به سلسله مراتب میان زن و مرد و غیره.

▶ زنان در پارلمان (۱۹۴۵ تا

۱۹۹۵): پیشرفت، رکود یا قهقرا؟

بررسی موقعیت زنان در سال ۱۹۹۵، در پرتو

● فعالیت سیاسی زنان فقط در دوره مشارکت آنان در پارلمان‌هایی که در دوران بحران انتخاب شده‌اند، قابل ارزیابی است.

پیشرفت ده دهه اخیر، نتیجه‌ای جالب‌تر و همه‌جانانه‌تر به دست می‌دهد و ما را ملزم می‌کند که نگاهی به پیشرفت کلی پارلمان‌های جهان در این مقطع بیندازیم.

۱) پارلمان در کشورهای مستقل (۱۹۴۵ تا ۱۹۹۵)

در پایان ژوئن ۱۹۹۵، ۱۷۶ کشور مجلسی قانونگذاری داشتند که ۵۲ تای آنها دو مجلسی بودند.

در ۵۰ سال گذشته تعداد کشورهای مستقل تقریباً سه برابر شده است که اغلب آنان دارای پارلمان هستند. این پدیده نمایانگر این است که دگرگونی پایدار و بنیادینی در چهره سیاسی و نهادی جهان به وجود آمده است.

۲) پیشرفت کلی نسبت زنان در پارلمان‌های ملی (۱۹۴۵ تا ۱۹۹۵)

● جدول دو: تغییرات سهم نمایندگان زن در پارلمان‌های جهان از ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۵

سال	تعداد کشورهای دارای پارلمان	تعداد و نسبت نمایندگان زن در پارلمان	تعداد و نسبت نمایندگان زن در مجلس
۱۹۴۵	۲۶	۱۸۸ از ۶۳۵ ۲۳٪	۹۸۰ از ۲۲۲۱ ۴۴٪
۱۹۵۵	۶۱	۱۲۷۸ از ۳۷۰۴ ۳۴٪	۳۵۷۰ از ۷۷۷۲ ۴۶٪
۱۹۶۵	۹۲	۱۸۳۰ از ۲۲۷۰ ۸۰٪	۴۱۲۹ از ۴۸۲۲ ۸۵٪
۱۹۷۵	۱۱۵	۲۶۹۷ از ۲۲۶۲۲ ۱۲٪	۴۹۷۶ از ۴۱۱۶ ۱۲٪
۱۹۸۵	۱۳۶	۳۳۷۸ از ۲۸۵۰ ۱۲٪	۴۲۴۴ از ۳۵۵۳ ۱۲٪
۱۹۹۵	۱۷۶	۳۳۵۵ از ۳۰۴۴ ۱۱٪	۵۴۱۳ از ۵۰۱۱ ۱۰٪

در طول بیش از ۵۰ سال، تعداد کشورهای دارای پارلمان هفت برابر و نسبت کلی نمایندگان زن در مجلس چهار برابر شده و از ۳ به ۱۱ درصد در

مجلس، و از ۱۲٪ به ۱۴٪ درصد در سنا رسیده است.

با توجه به وضعیت موجود چنین پیشرفتی چندان رضایت‌بخش نیست و چشم‌انداز امیدبخشی نمی‌گشاید.

در اواخر این دهه و اوایل دهه ۹۰ کاهش در تعداد زنان نماینده در پارلمان‌های ملی به وجود آمد که تا کنون، با کمی بهبود، همچنان ادامه دارد. این بهبود و پیشرفت در تعدادی از کشورها نشان آن است که تحرک انتخاباتی تازه و مطلوب‌تری برای زنان در حال وقوع است؛ فقط باید منتظر آینده بود.

۳) آمار جهانی در مورد زنان نماینده در پارلمان‌های جهان (۱۹۴۵ تا ۱۹۹۵)

با نگاهی به «جدول سه» به نکات برجسته زیر برمی‌خوریم:

الف) حداکثر نسبت نمایندگان زن در پارلمان‌ها در عرض پنجاه سال گذشته چهار برابر شده است، یعنی از ۹ درصد در فنلاند (۱۹۵۴) به ۴۰٪ درصد در سوئد (۱۹۹۵) رسیده است.

ب) کشورهای نوردیک نه تنها اولین کشورهای بودند که به زنان حق رأی و نمایندگی دادند بلکه در اعمال روش‌های مثبت انتخاباتی برای زنان همچنان از همه ثابت‌قدم‌تر مانده‌اند.

پ) در دهه‌های مختلف، بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰، کشورهای بسیاری که براساس اصول دموکراتیک رهبری می‌شوند، بیشترین نسبت زنان نماینده را دارند. البته در این کشورها نیز پس از ۱۹۸۹ افت نسبی به چشم می‌خورد.

به هر حال، این ارقام کلی برای برآورد نوسانات حضور زنان در پارلمان، چه مثبت و چه منفی، کافی نیست. تنها با بررسی موشکافانه وقایعی که در درون هر یک از این کشورها رخ داده، می‌توان تصویر دقیق‌تری از این پیشرفت ارائه داد.

۴) نمونه‌های پیشرفت

بررسی موقعیت زنان در هر کشور، به طور مجزا، نشان‌دهنده آن است که تعداد کشورهایی که حضور زنان در پارلمان آنها در ۵۰ سال گذشته پیشرفت

کرده است، بیشتر از کشورهایی است که در این زم

دچار رکود شده‌اند یا سیر فقیرانی طی کرده‌اند. در میان کشورهایی که پیشرفت کرده‌اند، سیشل نمونه‌ای برجسته و منحصربه‌فرد است زیرا زمانی که این کشور به استقلال رسید، حتی یک زن هم در مجلس حضور نداشت. اما در انتخابات دسامبر ۱۹۹۱، با ۴۵/۸ درصد کرسی در دست زنان، در رده کشورهای قرار گرفت که به توازن نسبی میان حضور دو جنس در پارلمان‌هایشان رسیده‌اند. متأسفانه، این موقعیت دیری نپایید و در انتخابات جولای ۱۹۹۳ این نسبت به ۲۷/۳ درصد تنزل یافت.

وضعیت کشورهای نوردیک روشن‌تر است: افزایش نسبت زنان نماینده در پارلمان هم قابل توجه و هم منظم است و در دو مرحله مشخص در دهه ۵۰ و ۷۰ حاصل شده است اما بدون شک خارق‌العاده‌ترین پیشرفت در سوئد به ثبت رسیده است.

به هر حال، کشورهای نوردیک تنها کشورهای نیستند که پیشرفت حاصل کرده‌اند.

با ظهور دموکراسی چند نژادی، انقلابی واقعی در آفریقای جنوبی به وقوع پیوست و در آوریل ۱۹۹۴، اعضای زن مجلس ملی از ۲ به ۲۵ درصد صعود کرد.

در کشورهای کارائیب نیز زنان ترنیداد و توباگو، در سال ۱۹۹۱، بالاخره ۱۸/۹ درصد کرسی‌ها را در اختیار گرفتند.

و اما در قاره آمریکا، نسبت زنان در سیزدهمین مجلس نمایندگی برزیل (اکتبر ۱۹۹۴)، به‌طور چشمگیری افزایش یافت و پس از رکودی بین صفر و یک درصد، به ۷ درصد رسید.

در مکزیک، سهم زنان در مجلس نمایندگی اکنون به ۱۴/۲ درصد رسیده است.

در کشوره‌های ایالات متحده، پیشرفت نسبی و محدود اما واقعی است. پس از جنگ جهانی دوم زنان در سنا حضور نداشتند در حالی که اکنون هفت درصد سناتورها و ۱۰/۶ درصد نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دهند.

اخیراً در سه کشور عربی تغییری قابل توجه رخ داده است و برای اولین بار در تاریخ انتخاباتی آنها

● جدول سه: ۱۵ کشور نخست جهان از نظر نسبت نمایندگان زن در پارلمان (به درصد)

۱۹۴۵	فنلاند (۹)	سوئد (۷/۸)	بلغارستان (۵/۸)	فرانسه (۵/۶)	جمهوری دومینیکن (۵/۶)	اتریش (۵/۵)	دانمارک (۵/۴)	نروژ (۴/۷)
۱۹۵۵	بریتانیا (۳/۸)	آلبانی (۳/۷)	ترکیه (۳/۷)	کوبا (۲/۹)	ایرلند (۲/۹)	مجارستان (۲/۹)	یوگسلاوی (۲/۶)	آلمان شرقی (۲۴/۵)
۱۹۶۵	رومانی (۱۵/۴)	فنلاند (۱۵)	سوئد (۱۲/۲)	کره شمالی (۱۲/۱)	چین (۱۲)	آلبانی (۱۲)	دانمارک (۹/۵)	آلمان شرقی (۲۷/۴)
۱۹۷۵	رومانی (۱۲/۴)	فنلاند (۱۲/۴)	یوگسلاوی (۱۲/۷)	سوئد (۱۳/۳)	لهستان (۱۳/۳)	آلبانی (۱۱/۷)	هلند (۱۰)	آلبانی (۳۲/۲)
۱۹۸۵	رومانی (۳۶/۹)	سوئد (۲۱/۴)	کره شمالی (۲۰/۹)	گرنادا (۲۰/۹)	یوگسلاوی (۱۹/۱)	بلغارستان (۱۸/۸)	سانتوومه و پرنسپ (۱۸/۲)	چین (۲۲/۹)
۱۹۹۵	سوئد (۲۵/۲)	آلبانی (۲۵)	اتریش (۲۳/۵)	کوبا (۲۲/۸)	آرژانتین (۲۱/۸)	نیوزیلند (۲۱/۲)	چین و اریتره (۲۱)	گویان (۳۴/۹)

● با وجود این که نسبت زنان نماینده در پارلمان برخی کشورها افزایش ناگهانی داشته اما در برخی کشورهای دیگر این پیشرفت روندی ثابت و منظم داشته است.

یک یا چند زن وارد پارلمان شده‌اند: در اردن (۱۹۹۳) فقط یک زن، در لبنان (۱۹۹۲) سه زن و در مراکش (۱۹۹۳) دو زن به نمایندگی پارلمان برگزیده شدند.

با وجود این که نسبت زنان نماینده در پارلمان برخی کشورها افزایش ناگهانی داشته اما در برخی کشورهای دیگر این پیشرفت روندی ثابت و منظم داشته است. در میان این دسته از کشورها می‌توان از بلژیک، یونان، هندوراس، اندونزی، مالزی، پرتغال، انگلیس و تونس نام برد.

از سوی دیگر، در برخی کشورها نسبت زنان نماینده در پارلمان از یک دوره انتخاباتی به دوره بعدی دچار افت و خیز شدیدی شده است که گاهی با تعارضات خارق‌العاده‌ای نیز همراه بوده است. در این میان آرژانتین نمونه برجسته‌ای است. فقط یک بررسی دقیق روشن می‌کند که چرا نسبت زنان نماینده از ۲۱/۷ درصد در سال ۱۹۵۵ به ۲/۲ درصد در سه سال بعد سقوط کرد و چرا ۴۰ سال زمان و قانون سهمیه (کرسی ذخیره) لازم بود تا همان درصد دوباره به دست آید.

۵) نمونه‌های رکود

برخلاف کشورهایی که در زمینه حضور زنان در پارلمان پیشرفت کرده‌اند، برخی کشورها همیشه تعداد کمی نماینده زن در پارلمان داشته و در مرز رکود به سر برده‌اند.

در ژاپن، از سال ۱۹۴۷، نسبت زنان در مجلس نمایندگی ۸/۴ درصد بوده، که این نسبت از سال ۱۹۷۴ همواره بین ۱/۵ تا ۲/۵ درصد نوسان داشته است. وضعیت زنان در مجلس شورای ژاپن هم بهتر از این نیست. زنان در حال حاضر ۱۴/۷ درصد از ۲۵۲ کرسی را اشغال کرده‌اند.

موقعیت زنان در پارلمان فرانسه هم چندان رضایت‌بخش نیست. نسبت زنان نماینده در مجلس ملی فرانسه به حداقل ۱/۵ درصد در سال ۱۹۹۵ و حداکثر ۷/۱ درصد در سال ۱۹۸۱ می‌رسد. مشکل بتوان این رکود اسفناک را حاصل نحوه رأی‌گیری در فرانسه دانست. شاید بتوان علت آن را در عدم تحول رویه‌های انتخاباتی احزاب و نگرش فرانسوی‌ها در مورد نمایندگان زن جست‌وجو کرد.

۶) نمونه‌های افت و خیز

کندی یا عدم افزایش تعداد زنان در پارلمان،

به‌طور کلی با بویزه در برخی کشورها، مایه تأسف است اما مشاهده زوال موقعیت زنانی که زمانی در پارلمان‌های برخی کشورها فعال بوده‌اند، از آن هم اسفناک‌تر است. ذکر چند نمونه از کشورهایی که سابقاً بلوک شرق محسوب می‌شده‌اند، کافی است تا تغییر ناگواری را که از سال ۱۹۸۹ در آنجا به‌وجود آمد، به نمایش بگذارد.

در مارس ۱۹۸۳، ۳۴/۴ درصد اعضای پارلمان تک‌مجلسی رومانی را زنان تشکیل می‌دادند. امروز، نسبت زنان در هر دو مجلس این کشور، به ترتیب، ۲/۱ و ۴/۱ درصد است.

این وضعیت، با کمی تفاوت، در مورد روسیه و بویزه تمام جمهوری‌های پیشین آن، که کمی پس از ۱۹۸۹ انتخابات را برگزار کردند، صدق می‌کند. مثلاً ارمنستان، قدرتمندترین جمهوری شوروی سابق، در سال ۱۹۹۰ به داشتن ۳۵/۶ درصد نماینده زن در مجلس می‌بایست می‌گرد اما چند ماه پس از استقلال که ارمنستان اولین انتخابات چندحزبی خود را در مه ۱۹۹۰ برگزار کرد، نسبت زنان نماینده در مجلس به ۳/۷ درصد سقوط کرد.

در ترکمنستان، لهستان و مجارستان نیز وضعیت مشابهی به‌وجود آمد. البته عقب‌نشینی زنان در لهستان حدت کمتری داشت، اگرچه مشخص و قطعی بود.

۷) کرسی ذخیره برای زنان

تعدادی از کشورها چند کرسی ذخیره (سهمیه) برای زنان مقرر داشته‌اند. این کشورها، در سال ۱۹۹۵، عبارت بودند از: بنگلادش (۳۰ کرسی از ۳۳۰ کرسی)، اریتره (۱۰ کرسی از ۱۰۵ کرسی) و تانزانیا (۱۵ کرسی از ۲۵۵ کرسی). در گذشته نیز این روش در مصر و پاکستان در دو انتخابات قانونگذاری پی‌درپی اعمال شد. «جدول چهار» اطلاعات بیشتری در اختیار شما قرار می‌دهد.

● جدول چهار: تغییرات نسبت زنان نماینده با توجه به اختصاص سهمیه نمایندگی برای زنان (به درصد)

کشور	قبل از اختصاص سهمیه	پس از اختصاص سهمیه	در زمان بحران
بنگلادش	۱۰/۳	۸/۹	در حال بحران
مصر	۱/۷	۲/۹	۲/۲
ژاپن	۲/۱	۲/۱	در حال بحران
پاکستان	۴/۶	۵/۹	۲/۸
تانزانیا	۳/۸	۱۰/۲	در حال بحران

۸) چرا نسبت زنان نماینده در پارلمان‌ها بین سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۹۵ رو به پیشرفت، رکود یا زوال رفته است؟

ناگفته پیداست که هرگونه توضیح یکسویه‌ای در این مورد مخاطره‌آمیز خواهد بود چرا که دلایل متعددی و متغیر و به‌هیچ رو نمی‌توان این پیشرفت‌ها را تنها در حوزه سیاسی و پارلمانی و بدون توجه به پیشرفت‌هایی که در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌وجود آمده، تفسیر کرد.

رمز موفقیت کشورهای نوردیک و برخی

کشورهای دیگر که در این زمینه طی پنجاه سال اخیر پیشرفت کرده‌اند، بی‌شک در جنبش اجتماعی بنیادینی نهفته که اخلاقیات و از جمله اخلاقیات سیاسی را دگرگون کرده است، در این میان پیشرفت اقتصادی را نیز نباید فراموش کرد. به علاوه، تعیین کرسی ذخیره (سهمیه) در پیشرفت موقعیت زنان در مجلس‌های پارلمان‌ها بی‌تأثیر نبوده است.

پس چگونه می‌توان رکود موجود در بعضی کشورها را توجیه کرد؟ عامل این رکود را باید در احزاب سیاسی ای جست‌وجو کنیم که از زمان جنگ جهانی دوم در روش‌های انتخاباتی خود هیچ تغییری نداده‌اند. اما این توجیه مسلماً بدون در نظر گرفتن نگرش رأی‌دهندگان ناقص خواهد بود.

با توجه به کشورهای سوسیالیستی سابق اروپا، طرح یک سؤال اجتناب‌ناپذیر می‌نماید: چگونه چهل سال سلطه سوسیالیسم و حضور نسبتاً وسیع زنان در پارلمان - حتی به‌طور ساختگی - نتوانست فرهنگی سیاسی برای زنان پدید آورد که ضامن ثبات حضور آنان باشد؟

در پاسخ به تحقیقی که در اتحادیه بین‌المجالس، در سال ۱۹۹۱، درباره زنان در سیاست انجام شد، لهستان این توجیه را ارائه داد:

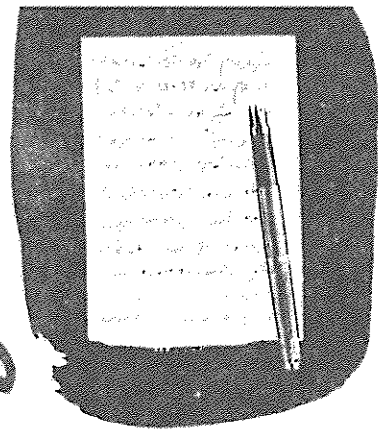
«مشارکت زنان در آخرین انتخابات پارلمانی در مقایسه با دوره قبل کاهش یافت. در سراسر تاریخ لهستان بعد از جنگ همین پدیده به چشم می‌خورد: مشارکت زنان در دوران بحران اقتصادی و سیاسی به نسبت دوران ثبات کاهش می‌یابد. این پدیده را می‌توان با بررسی نحوه معرفی نامزدها برای نمایندگی توضیح داد. نظام سیاسی لهستان که تا همین اواخر حاکم بوده، برگزاری انتخاباتی واقعاً آزاد را تضمین نکرده است. در واقع، حزب حاکم و تشکیلات سیاسی‌ای که همکاری تنگاتنگی با آن داشت، نامزدهای انتخاباتی را معرفی می‌کردند. به هر گروه اجتماعی براساس یک نظام خاص اختیارات از پیش تعیین شده‌ای تفویض می‌شد.

بنابراین، فعالیت سیاسی واقعی یا شایستگی نامزد نمایندگی چندان اهمیتی نداشت بلکه بیشتر مشخصه‌های او برای نمایندگی کل جامعه مدنظر قرار می‌گرفت. جنسیت نامزدها هم یکی از این مشخصه‌ها بود. نامزدهای زن معرفی می‌شدند زیرا این متغیر موردنظر بود اما صرفاً برای «دکور». در دوران مشکلات سیاسی این دکوراسیون به فراموشی سپرده می‌شد. بنابراین، فعالیت سیاسی واقعی زنان فقط در دوره مشارکت آنان در پارلمان‌هایی که در دوران بحران انتخاب شده‌اند، قابل ارزیابی است زیرا فقط زمانی که در زمان بحران آن اختیارات را کسب کردند، واقعاً قادر بودند رقبای مذكر خود را شکست دهند»

منبع:

Inter - Parliamentary Union, *Women in Parliaments (1945 - 1995): A World Statistical Survey*, Geneva: 1995





هر چه از دوست رسد...

99 این صفحه شماس: مخالف و موافق؛ که هر چه از دوست رسد، نیکوست.

این صفحه شاید پلی باشد میان ما تا پیام‌ها، انتقادهای و پیشنهادها را با صراحت و بی‌پیرایه به ما برساند و شاید دست صمیمیت و همدلی شما باشد که در دست مشتاق ما می‌گذارد تا با هم انتشار «زنان» را با توفیق و اقبال همراه سازیم. صفحه خودتان را با نامه‌های خود پر کنید: 66



سرکار خانم شهلا شرکت و همکاران
با سلام، شماره ۲۶ مجله زنان شماره موفق و مثبتی بود. به شما از بابت گزارش ویژه «زنان در زندگی مردان» تبریک می‌گویم؛ چرا که موفق شدید مقطعی گونه‌گون از مردان ایرانی را تشویق کنید درباره موضوعی حرف بزنند و درددل کنند که معمولاً از محرمات محسوب می‌شود و صحبت درباره‌اش با دشواری صورت می‌گیرد. هرچند که بسیاری از جواب‌ها، همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، در چارچوب الگویی مشخص داده‌شده بود، مع‌هذا همین نیز گام بزرگی بود و دست مریزادا

اگرچه اعتقادی به این‌گونه تفکیک‌ها ندارم اما از آنجا که نام خاص مجله به گونه‌ای چراغ سبزی بابت همین قبیل جداسازی به آن می‌دهد، پیشنهاد می‌کنم در یکی از شماره‌های آینده از خانم‌ها پرسید کدام مردان بیشترین تأثیر را در زندگی آنان گذاشته‌اند. و ای کاش در پرسشنامه ذکر بفرمایید که منظور مردان حقیقی است و نه شخصیت‌های اساطیری و افسانه‌ای.

نامه را که تمام کردم، متوجه شدم مجله محبوب ما بخشی مختص نامه‌های وارده ندارد؛ پس پیشنهاد می‌کنم صفحه‌ای را هم به این مقوله اختصاص بدهید.

برایتان پایداری و مقاومت توأم با موفقیت آرزو می‌کنم.

ارادتمند
گلی امامی



سردبیر محترم مجله زنان

من دیپلمه الکترونیکی از انگلیس هستم و در انجمن الکترونیکی انگلیس عضویت دارم و دیپلم بین‌المللی سی‌اس‌اسکو (تخصص در امور بهداشتی و زیبایی) را نیز اخذ کرده‌ام. می‌خواستم در این نامه توجه آن مجله محترم را به یکی از مسائل و مشکلات مهمی که امروزه زنان با آن مواجه هستند، جلب کنم. هم‌اکنون بسیاری از خانم‌ها، گاهی به علت

آنچه از شما انتظار می‌رود، درآوردن نشریه‌ای است که با حفظ و نشان دادن هویت مذهبی خودتان، از مسائل و مصایب زنان حرفی بزنند. خلاصه این‌که به نظرم رسید که این هویت دارد کم‌رنگ می‌شود. نمی‌دانم نگرانی‌ام را تصدیق می‌کنید یا آن را تصویری واهی می‌پندارید؟

امضا محفوظ



مدیرمسئول محترم مجله زنان

با سلام و آرزوی بهروزی. نظرخواهی شماره ۲۶ زنان را، درباره زنان مؤثر در زندگی مردان، با لذت خواندم. چیزی که در وهله اول به نظرم جالب آمد، این بود که مردان مصاحبه شده، یا زن مؤثر زندگی‌شان را شخصاً تجربه نکرده بودند یا تجربه‌هایشان عموماً منحصر به روابط نسبی و سببی بود. در واقع، آنان زن مؤثر زندگی‌شان را در خلال نقشی که هر یک از این زنان ایفا کرده بودند، تجربه کرده‌اند.

برای این‌که حرفم به صرف ادعا نباشد، جمع و تفریقی زدم و معلوم شد از ۵۴ زنی که مردان مشخص کرده بودند، ۴۱ درصدشان از بستگان خانوادگی، ۲۳ درصدشان شخصیت‌های مذهبی و تاریخی، ۱۷ درصدشان از «رتبطان شغلی و شش درصدشان غریبه بوده‌اند. باقی هم با شخصیت‌های اثری و مبهم بودند یا چنان‌عام که هویتی برایشان نمی‌ماند.

پس می‌بینید که تجربه مردان ما از زنان و دنیای ایشان با دست‌چندم است - مثلاً در مورد شخصیت‌های تاریخی و مذهبی - یا به واسطه نقشی است که آنها از پیش در یک ساختار سلسله مراتبی روابط خانوادگی پذیرفته‌اند. به عبارت دیگر، تأثیر زن بر آنان، نه تأثیر دنیای زنانه زن، که تأثیر تفسیر این دنیا از منظر مردان بوده‌است. به عبارت دیگر، ما با نوعی ایدئولوژی یا آگاهی کاذب رویه‌رویم و آنچه مردان از آن به عنوان تأثیر زنانه یاد کرده‌اند، تأثیر «مردانه شده» زنان است.

با تشکر
زاله منصوریان

در آغاز گشایش این صفحه وعده کردیم که هر چه را از دوست رسد، در معرض مطالعه و قضاوت شما عزیزان قرار دهیم و به خود سپردیم که مخالفان «زنان» را نیز دوست بشماریم زیرا که نقد آنان غنای کار ما را در پی دارد. از قضا سه نامه زیر عرصه‌ای را که ما در نظر داشتیم، می‌گشاید تا چند دیدگاه از طیف خوانندگان «زنان» امکان برخورد یابند و فضای ناگزیر حرکت ما تا حدودی ترسیم شود.



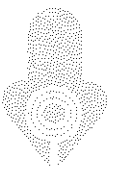
خواهر گرامی، سرکار خانم شرکت

ضمن عرض سلام و خسته نباشید از ادامه کار در این شرایط طاقت فرسا.

من سال‌هاست که کارهای شما را چه در روز و چه در زنان تعقیب کرده‌ام. آنچه باعث شد پس از این همه سال چیزی قلمی کنم، احساس نوعی نگرانی بود. البته امیدوارم در این فضای پر از سوءتفاهم موضع مرا با موضع نیروهای راست افراطی که رسالت‌شان اعلام طلوع صبح خشونت و تعطیل آزادی‌ها و حقوق اولیه هر انسان - خواه مسلمان یا غیرمسلمان - است، یکی تلقی نفرمایید.

آنچه انگیزه بنده را در اعلام این نگرانی تقویت کرد، مصاحبه‌ها یا نوشته‌هایی بود که در شماره قبل از مردان آورده بودید؛ در این‌که چه زنی بر زندگی‌شان تأثیر گذاشته است.

البته کتمان نمی‌کنم که مطالب جمع‌آوری شده در هر حال خواندنی بود و جذاب. ولی شاید مشکل از همین‌جا شروع شود چون من هیچ‌وقت تصور نمی‌کردم انگیزه اصلی فعالیت‌های شما انتشار مجله‌ای باشد که به ضرب‌وزیر ژورنالیسم بخواهد برای خود خواننده و مشتری دست‌وپا کند. براساس نوشته‌ها و طرز فعالیت و آشنایی‌های دور و نزدیک، تصورم این بود که شما می‌خواهید با حفظ هویت مذهبی خود از حقوق زنان دفاع کنید؛ و این است آنچه برای شما منشأ فعالیت و خط مشی اصلی تلقی می‌شود. اما هم مصاحبه‌های این شماره و هم شماره‌ای که درباره فروغ فرخزاد درآورده بودید - باز هم بگویم که گرچه جذاب بود - از خط مشی اصلی شما فاصله گرفته بود. در واقع، این قبیل کارها را مجلات دیگر هم می‌توانند انجام دهند.





سپیده خانپلو کی

☆ خام بدم، پخته شدم، سوختم!

- نمایشگاه نقاشی نسرین عتیقه‌چی

- نگارخانه سبز

- ۹ تا ۱۴ دی ماه ۷۴



یک سال قبل کارهای نسرین عتیقه‌چی در گالری سبز بوی گنم‌های خیس و خاک پس از باران را تداعی می‌کرد و حال که در نگارخانه سبز برای دومین بار تابلوهایش را به نمایش گذاشته، باز همان حال و هواست. سبک همان است و طرز به کاربردن رنگ‌ها و کمپوزیسیون‌ها و تکنیک خاصی خود اوست؛ با این تفاوت که این بار، در کارش پختگی و صلابت بیشتری به چشم می‌خورد و موضوع تابلوها نیز تغییر کرده، او اسطوره و نقوش اساطیری دوران هخامنشی را انتخاب کرده و با فضاسازی‌های زیبا و مرتبط با موضوع و ایجاد کمپوزیسیون‌های محکم و به‌کارگیری صحیح خطوط و رنگ‌ها و تلفیق اشکال مختلف تابلوهای قابل

رفت. از طرف دیگر ممکن است اشخاصی که تخصص ندارند، صرفاً از این جهت که تحت نظر یک پزشک هستند، مبادرت به سوزاندن مو بکنند و بدین ترتیب ضایعاتی به بار آورند. نتیجه این‌که هم‌اکنون قسمت اعظم الکترولیز خارج از مطب پزشکان و در جاهای مختلف، از مؤسسات زیبایی گرفته تا خانه‌های شخصی، انجام می‌شود و اغلب به‌دست غیرمتخصصان و در شرایط غیربهداشتی. الکترولیز کاری است ظریف، دقیق، علمی و تخصصی که با توجه به خطر بیماری‌های ایدز و هپاتیت باید در شرایط کاملاً بهداشتی صورت گیرد. متأسفانه چون این حرفه به رسمیت شناخته نشده‌است، آموزشگاهی نیز برای آن وجود ندارد و این باعث شده که با وجود نیاز شدید جامعه، عده زیادی، بدون این‌که آموزش درستی ببینند، بدون احراز صلاحیت‌های لازم، وارد این کار شوند و در واقع غیرقانونی عمل کنند.

تعدادی از متخصصان این فن نیز چندسالی است که برای گرفتن مجوز اقداماتی انجام داده و به ادارات مختلف دولتی مراجعه کرده‌اند، بدون حصول نتیجه. در واقع درست معلوم نیست که تصمیم‌گیری در این مورد در صلاحیت کدام‌سپک از وزارتخانه‌های دولت است؛ وزارت بهداشتی یا وزارت کار؟

تنها راه جلوگیری از این وضع آشفته و خطرات آن برای سلامت جامعه و هدایت آن به مسیر صحیح این است که اولاً این حرفه از سوی دولت به عنوان یک حرفه مستقل به رسمیت شناخته شود و در ثانی به کسانی که دوره‌های تخصصی الکترولیز را - در کشورهای خارج - دیده‌اند و دارای دیپلم رسمی هستند، اجازه داده شود که آموزشگاه تأسیس کنند و با تربیت و تعلیم متخصصان جدید این مشکل بزرگ و حاد زنان کشور را به نحوی رضایت‌بخش حل کنند.

ما از مسئولان امر تقاضا داریم که با بررسی همه‌جانبه و دقیق مسئله و مشورت با اشخاص صلاحیت‌دار در وضعیت کنونی تجدیدنظر به عمل آورند.

فرح مبصری

تقلید از عواد هورمون‌دار و گاهی به‌علل دیگر، مثلاً مصرف داروهای هورمونی، دچار سرهای زاید بسیاری، به‌خصوص در صورتشان، هستند. اکثر خانم‌ها جز با روش سنتی حذف مو، یعنی بند انداختن و کندن مو با موچین، با شیوه دیگری آشنایی ندارند. نقص عمده این روش‌ها این است که دائمی نیستند و به‌کاربردن مکرر آنها سبب ضخیم شدن و سخت شدن مو و در نتیجه پوست می‌گردد که برای بانوان اصلاً مطلوب و قابل تحمل نیست. خانم‌هایی را می‌شناسم که همین عارضه باعث جدایی آنها از همسرانشان شده است و با دخترانی آشنا هستم که چون دچار این عارضه هستند، به‌کلی اعتمادبه‌نفس خود را از دست داده‌اند و خود را دچار یک بیماری لاعلاج می‌دانند و اغلب نیز شرم و حیا باعث می‌شود که هرگز این ناراحتی را ابراز نکنند.

روش سوزاندن مو یا الکترولیز که منجر به از بین رفتن دائمی موهای ناخواسته می‌شود، سال‌هاست که متداول شده و در کشور ما هم اقلاباً بیست و چندسالی قدمت دارد ولی تا همین سال‌های اخیر در نزد زنان ناشناخته بود و هنوز هم برای بسیاری ناشناخته باقی مانده‌است. یکی از دلایل این امر شاید این باشد که متأسفانه هنوز مو سوزاندن یا الکترولیز، با وجود نیاز گسترده و رو به افزایش جامعه به آن، توسط دولت به عنوان یک حرفه مستقل به رسمیت شناخته نشده‌است. اکنون تنها راه قانونی انجام الکترولیز این است که با توسط یک پزشک متخصص پوست انجام گیرد و یا تحت نظارت و در مطب او انجام شود و این هر دو خالی از اشکال نیست. اولاً، یک دکتر متخصص نه وقت و نه حوصله انجام این کار را دارد و در ثانی، تقریباً غیرممکن است بتوان هم مو سوزاند و هم به کار تخصصی خود پرداخت. به علاوه، پزشک متخصص پوست هم ممکن است در این کار تخصصی نداشته‌باشد. کار کردن تحت نظر یک پزشک هم اشکالات متعدد دارد، از جمله این‌که همیشه پیدا کردن دکتری که حاضر باشد این کار در مطب او صورت گیرد، آسان نیست و اگر هم توافقی برای همکاری حاصل شود، هزینه مو سوزاندن مسلماً بسیار بالا خواهد



توجهی به وجود آورده است.
● چرا اسطوره را موضوع نقاشی‌هایتان قرار دادید؟

○ اساطیر با ژناب آرزوها، افکار و سلیقه‌های یک قوم و یا یک ملت هستند و با شناخت آنها می‌توان بی‌هویت فرهنگی اقوام مختلف بُرد. من

هم برای دستیابی به چنین هویت و اصالتی به دنبال مطالعه اساطیر ایرانی رفتم تا شاید بتوانم در نقاشی‌هایم به چنین هویتی برسیم. حتی به اصفهان رفتم و از نقوش تخت جمشید طراحی کردم و به نوعی آنها را به‌کار بردم.

● در این کارها از چه تکنیکی استفاده کرده‌اید؟

○ تکنیک من در این تابلوها مخلوط (mix) است.

● رنگ‌ها را چگونه انتخاب کرده‌اید؟

○ رنگ غالب در تمامی این نقاشی‌ها نوعی رنگ خاکستری است که می‌تواند تداعی کننده گذشته‌های دور و کتیبه‌های بر حای مانده از آن دوران باشد که هم حسی انتخاب شده و هم در ارتباط با موضوع.

● بدیهی است که همه بینندگان نقاشی‌های شما آگاهی دقیقی نسبت به موضوع انتخابی شما ندارند، فکر می‌کنید که بینندگان چه‌طور با آنچه شما خواسته‌اید بگویند، ارتباط برقرار می‌کنند؟

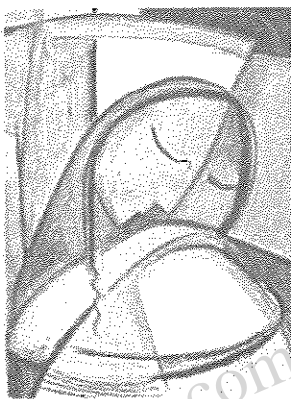
○ هدفم این بوده که اگر هم کسی از این نمادها و سمبل‌ها آگاهی نداشت، لااقل با دیدن آنها در این نقاشی‌ها به جست‌وجو و شناخت آنها برآید.

○ سرین عقیقه‌چی ۱۲ سال است که نقاشی می‌کند، فوق‌لیسانس رشته نقاشی و استاد دانشگاه است و تاکنون در نمایشگاه‌های نردی و جمعی بسیاری شرکت کرده است.

☆ تلفیق حرکت و سکون

- نمایشگاه نقاشی طاهره محبی‌تابان - گالری افرد

- ۲۰ تا ۲۸ دی‌ماه ۷۴



طاهره محبی‌تابان، متولد ۱۳۲۸، فارغ‌التحصیل رشته گرافیک از دانشکده هنرهای تزیینی است و از سال ۵۲ تاکنون در دانشکده‌های هنر مبانی هنرهای تحسیمی، ارتباط تصویری و طراحی تدریس می‌کند. خودش می‌گوید:

○ علاوه بر ۲۲ سال کار فرهنگی و تدریس، کار تخصصی در زمینه گرافیک، همکاری با چند مجله و کسب تجاری در زمینه‌های مختلف چاپ، نقاشی با وسایل مختلف طراحی پارچه و فرم سه بُعدی (حجم و مجسمه) از دیگر کارهایی بوده‌است که به آنها پرداخته‌ام.

موضوع کارهای نمایشگاه زنانی هستند با چهره‌های ساده و دفرمه‌شده و طبیعت بیجان‌هایی با همین حالت. رنگ‌ها بسیار هماهنگند و در عین شادای و سرزندگی، هیچ‌کدام زیاده‌تر از حدی که باید، به چشم نمی‌خورند؛ محکمند و نجیب. نقاشی‌ها تلفیقی هستند از حرکت و سکون، پویایی و ایستایی.

● چرا با پاستل نقاشی کرده‌اید؟

○ علت انتخاب این وسیله (پاستل مومی روغنی) لمس مستقیم رنگ جامد است که با کم و زیاد کردن فشار دست امکان ایجاد خطوط و سطوح و بافت‌های گوناگون را می‌دهد. البته امکان تغییر و اصلاح مجدد طرح با این وسیله خیلی کم است و تقریباً باید کار با تصمیم و تصور قبلی سرماً روی کاغذ بیاید ولی چون کارهای من عمدتاً ذهنی است، این کلنجار رفتن با وسیله را دوست دارم.

● در کارهای شما چهره‌ها ساده و دفرمه شده‌اند، حتی طبیعت بی‌جان‌ها هم چنین حالتی دارند. چرا آنها را دفرمه کرده‌اید؟

○ بیان حالت و اکسپرسیون همیشه توجه مرا به خود جلب کرده است، همین‌طور تمایل به ساده‌سازی و خلاصه کردن، با تلاش در جهت حفظ حالت و در نتیجه، تغییر شکل‌ها (دفرم‌اسیون‌ها) تلاشی است در جهت رسیدن به حداکثر بیان عاطفی یا حداقل عناصر بصری. این جست‌وجویی است که تصمیم دارم آن را ادامه دهم.

● به نظر می‌آید که این جست‌وجو گاهی در زمینه رنگ، فرم، خطوط، نور و دیگر کیفیت‌ها هم سمت و سو گرفته است.

○ به‌کارگیری عناصر بنیادین بصری مثل خط، سطح، رنگ و بافت و کیفیت‌هایی که به‌وجود می‌آورند، از نظر من تلاشی است برای بیان سوژه در نتیجه گاه طرح می‌تواند با تعادلی فریبه و گاه غیرفریبه - که پویایی بیشتری را در خود دارد - گاه حسی کلی و گاه با تنش‌های متفاوت با بیننده ارتباط برقرار کند.

● به نظر شما یک نقاشی حتماً باید بیانگر موضوعی خاص یا نشان‌دهنده فرمی خاص مثل فیگور، پرتره یا طبیعت بیجان باشد؟

○ من فکر می‌کنم صفحه دو بُعدی کار، حتی قبل از این‌که عصری بر روی آن واقع شود، با پیشنهاد اندازه و راستا و بافت و... خوره دارای زندگی و بیانی است که با قرارگیری هر کدام از عناصر بنیادین با آن ارتباط گرفته و بیان آن تغییر می‌کند. اندازه، جهت، حالت، تناسب و غیره همگی با حضور خود در صحنه صفحه دو بُعدی می‌تواند احساس متفاوتی را، حتی بدون حضور فیگور یا موضوعی مشخص، بیان کند. در این صحنه نمایش‌های متفاوتی اجرا می‌شود که گاه پرتش، گاه آرام و گاه داستان‌گونه است. در این رهگذر، گاهی بدون حضور موضوعی ویژه، با استفاده از خواص این عناصر و رابطه‌شان با یکدیگر و صفحه و... می‌توان حسی کلی و قوی را در صحنه صفحه به نمایش گذاشت.

● طرح چگونگی در ذهنشان شکل می‌گیرد؟

○ این پرسش، اگر چه گاه با تصمیم قبلی و ارزش‌آشنا در ذهن نقش می‌بندد اما در هنگام کار ممکن است شکل و روند تازه‌تری به خود بگیرد و کیفیت‌های جدیدی را به‌وجود آورد که اشتیاق به جست‌وجو را در ذهن برای ادامه کار میسر می‌کند.

● تا به حال در چه نمایشگاه‌هایی شرکت داشته‌اید؟

○ از سال ۴۸ تاکنون در چندین نمایشگاه دسته‌جمعی شرکت کرده‌ام. از جمله در دو نمایشگاه تحف احساس و بُعد، نمایشگاه انفرادی پاستل در اتاوای کانادا و دومین نمایشگاه پاستل در همین گالری افرد است. ■



۸۶۰۱۳۷۰
۸۶۰۱۴۵۶

زنان

راهنمای



گروه پنم در سالن آرایش یاس

فقط با ۶ هزار تومان به وزن و سایز ایده آل خود
برسید آرایش، پاکسازی و زیبایی پوست صورت و
دست، کاشت ناخن، کاشت مژه، فرمژه، رنگ مژه، فر
استثنائی از ۳ تا ۵ هزار تومان، آکازیون عروس فقط
با ۱۰ هزار تومان تحت نظر متخصص از آمریکا
آموزش کلیه امور بالا.
۸۷۱۶۵۲۵ محمودی

سالن آرایش شیدا

به مدت یکماه کلیه کارهای آرایشی خود را
نصف قیمت ارائه می دهد.
گیشا ۸۰۲۰۹۱۷

قابل توجه خانمهای آرایشگر

جدیدترین فن گریم عروس، کوتاه کردن مو، ترمیم ابرو و
آرایش دائمی و کلیه خدمات پوستی و بهداشت پوست برای
خانمهای آرایشگر شهرستانی در چند جلسه هنرجو می پذیرد.
زیر نظر متخصص از فرانسه

تلفن ۲۵۴۹۷۱۳
الی ۱۱ شب

تلفن ۲۷۲۰۱۸
الی ۴ بعدازظهر

استودیو شاداب (آواخاطره)

قابل توجه زوجهای جوان - فیلمبرداری و
عکسبرداری از کلیه مجالس توسط آقا و بانو، میکس
و مونتاژ از شهرستان و تهران پذیرفته می شود
۸۵۸۹۷۹-۸۴۱۰۹۲

در کلاس ایراندخت

آشپزی ایرانی، فرنگی، چینی، شیربنیهای خشک و نر
ترتین کیک و شکلات سازی و نانهای فانتزی را
بیاموزید

تلفن: ۲۲۲۷۴۴۹-۲۲۷۹۴۶۰

*** آموزش کوپ ***
در ۱۰ جلسه مخصوص
فارغ التحصیلان آموزشگاهها
عامری ۶۴۶۰۳۴۸
**

کلاس خوش نویسی و قبول سفارشات خطی

۸۶۳۵۵۵

سالن لاغری زیبا یک جلسه رایگان

ویتامینه صورت نیز پذیرفته میشود.
۳۶۸۶۹۷ - مرکز تهران

قابل توجه اهالی محترم سید خندان، سهروردی، شریعتی،
موسسه زیبایی پونه با مجهزترین دستگاههای حرارتی و
ماساژی در کوتاهترین مدت به وزن دلخواه خود برسید،
همچنین ارائه خدمات آرایشی، خدمات پوستی و گریم
عروس با تعیین وقت قبلی

۸۶۳۴۱۸

۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

راهنمای زنان تلفنی آگهی می پذیرد

۸۶۰۱۳۷۰ - ۸۶۰۱۴۵۶